



معاونت امور زنان و خانواده
ریاست جمهوری

وضعیت بیمه‌های اجتماعی زنان در ایران

(گزارش شماره ۴)

معاونت بررسی‌های راهبردی

به کوشش: زهره نظری

تیرماه ۱۳۹۴

فهرست

مقدمه	۵
بخش اول: تجارب پیشین و رویکرد مناسب	۹
۱.۱. زنان به مثابه گروه‌های آسیب پذیر	۹
۱.۲. زنان در تلاش برای تحقق اهداف کلان کشور	۱۰
۱.۳. رویکرد عدالت جنسیتی	۱۰
بخش دوم: گزاره‌های مبتنی بر اطلاعات نادرست درباره زنان و خانواده	۱۳
۲.۱. همه از نتایج برنامه‌های توسعه برخوردار می‌شوند	۱۳
۲.۲. هنجارهای اجتماعی زنان را از جستجوی کار باز می‌دارد	۱۴
۲.۳. اشتغال زنان باعث کاهش اشتغال مردان می‌شود	۱۶
۲.۴. زنان خانه‌دار فعال اقتصادی نیستند	۱۶
۲.۵. زنان تجربه و علم لازم را برای مدیریت ندارند	۱۸
۲.۶. زنان در پی پست و مقام نیستند چون اولویت آنها چیز دیگری است	۱۸
۲.۷. فقط یک نفر (یعنی مرد) باید تأمین کننده هزینه‌های زندگی باشد	۱۹
۲.۸. امید به زندگی زنان بیشتر از مردان و این دلیل بهتر شدن وضعیت زنان است	۲۰
۲.۹. دختران و پسران نمی‌خواهند ازدواج کنند	۲۰
۲.۱۰. افزایش طلاق نتیجه زیاده خواهی‌ها و ناسازگاری‌های طرفین است	۲۱
۲.۱۱. خانواده‌ها هنوز مقید به رعایت هنجارهای گذشته اند	۲۳
۲.۱۲. آسیب‌های اجتماعی زنانه شده اند	۲۴
جمع بندی	۲۶

بخش سوم: گزارش وضعیت زنان (بیمه‌های اجتماعی).....	۲۹
خلاصه مدیریتی.....	۲۹
۱. مقدمه.....	۳۳
۱.۱. تعریف مفاهیم.....	۳۵
۲. حوزه‌های سه گانه نظام تأمین اجتماعی.....	۳۸
۲.۱. حوزه بیمه‌ای و رویکرد مبتنی بر اشتغال آن.....	۳۹
۳. مشارکت اقتصادی زنان.....	۴۱
۳.۱. اشتغال زنان در بخش‌های رسمی و غیر رسمی.....	۴۲
۳.۲. زنان شاغل در بخش‌های خصوصی و عمومی.....	۴۴
۴. وضعیت موجود پوشش بیمه اجتماعی کل کشور.....	۴۸
۴.۱. شاخص ضریب نفوذ در حوزه بیمه‌های اجتماعی.....	۵۴
۵. وضعیت موجود پوشش بیمه اجتماعی زنان.....	۵۸
۵.۱. روند پوشش زنان از انواع بیمه‌های تأمین اجتماعی.....	۵۹
۵.۲. مهم‌ترین شاخص‌های بررسی وضعیت پوشش بیمه‌ای زنان در ایران.....	۶۱
۵.۳. وضعیت سنی زنان بیمه شده سازمان تأمین اجتماعی.....	۶۷
۵.۴. نسبت جنسی بیمه شدگان.....	۶۸
۶. وضعیت موجود جمعیت تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشور.....	۶۹
۷. زنان شاغل در بخش غیر رسمی.....	۷۱
۷.۱. زنان روستایی و عشایر و پوشش بیمه‌ای.....	۷۵
۷.۲. زنان غیرفعال اقتصادی؛ خانه دارها و پوشش بیمه‌ای.....	۷۷
۷.۳. زنان سرپرست خانوار و پوشش بیمه‌ای.....	۸۱
منابع.....	۸۸

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران اصل را بر عدالت اجتماعی برای تمام شهروندان بدون در نظر گرفتن سن، جنس و قومیت نهاده است (رجوع شود به اصول ۳۰، ۲۸، ۲۹ و ۳۱ قانون اساسی) به طور یقین تحت لوای این اصل تحقق «عدالت جنسیتی» به عنوان یک راهبرد مهم در تمامی جنبه‌های زندگی، به صورتی پایدار مد نظر قرار می‌گیرد.

در کشور ما با تجربه‌ای نزدیک به هفتاد سال در برنامه‌ریزی، هنوز عدالت اجتماعی و به تبع آن توسعه متوازن برقرار نشده است. ضرورت شناخت عوامل کلیدی در ناکارآمدی برنامه‌های گذشته، قدمی مهم در جبران این غفلت و توجه بیشتر برنامه‌های توسعه بر کاهش تبعیض‌ها و اصل حیاتی «عدالت اجتماعی» است.

عدم موفقیت در برقراری عدالت اجتماعی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تجربه شده و نظام برنامه‌ریزی کشورها در تلاش برای رفع چنین نقیصه‌ای با رویکردهای متفاوتی عمل کرده‌اند. در برخی از کشورها، برنامه‌ریزان برنامه‌های توسعه را با هدف دستیابی به عدالت اجتماعی، ولی بی‌توجه به مسائل زنان که متفاوت از مردان است و به اصطلاح «برای همه»،

تدوین نموده‌اند که این بی‌توجهی به معنای تداوم تبعیض‌های موجود علیه زنان و عقب ماندگی جامعه است. گروهی دیگر از برنامه‌ریزان با انگیزه‌ای ظاهراً بی‌طرفانه و تصور میدانی باز برای رقابت، برنامه‌های توسعه را تنظیم می‌کنند که این خود به نوعی تبعیض منتهی می‌شود؛ زیرا مردان و زنان از موقعیتی متوازن در آغاز هر برنامه برخوردار نیستند و میدان رقابت بازی نیز مبتنی بر شایسته‌سالاری وجود ندارد، در نتیجه زنان نمی‌توانند از نتایج بدست آمده در پایان برنامه توسعه برخوردار شوند و عدالت جنسیتی و به تبع آن عدالت اجتماعی تحقق نیافته است.

در دهه‌های گذشته برای اطمینان از دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه در تحقق عدالت اجتماعی و عدالت جنسیتی، کشورهای مختلف راهبردها و سیاست‌های گوناگونی را طراحی و اجرا کرده‌اند. کشورهایی در قاره آسیا مانند مالزی، فیلیپین، هند و... و در مجموعه کشورهای آمریکای لاتین؛ شیلی، مکزیک و یا کشورهای آفریقایی بسیاری نظیر مالاوی، آفریقای جنوبی، تانزانیا، کنیا و...

به دلیل اهمیت بسیار زیاد کاهش تبعیض‌ها برای حکومت‌ها و ضرورت درک و ترویج راهبرد عدالت جنسیتی برای عینیت یافتن عدالت اجتماعی، امروزه عنوان «فمو کرات» برای کسانی به کار برده می‌شود که در دولت‌ها سه هدف و وظیفه را دنبال می‌کنند:

۱. افزایش آگاهی در درون دولت از پیامدهای سیاست‌ها و برنامه‌ها بدون نگاه جنسیتی

۲. وادار کردن دولت‌ها به پاسخگویی به تعهداتشان برای تحقق عدالت

۳. ایجاد تغییرات در سیاست‌ها و بودجه‌ها با هدف ارتقاء پایگاه

اجتماعی و اقتصادی زنان

در کشور ما علیرغم تلاش‌های صورت گرفته، به دلیل این که قانون

گزارش وضعیت زنان ۷

برنامه‌های توسعه بیشتر متمایل به طیف کم توجهی جنسیتی و خنثی نگری در برنامه قرار می‌گیرند، به استثنای برنامه چهارم توسعه که در بیش از یک ماده قانونی مسائل زنان (مواد ۱۰۲، ۹۷، ۵۴، ۲۰، ۱۱۱ و...) دیده شده بود، توفیق چندانی در برقراری عدالت جنسیتی حاصل نشده است.

در این گزارش فرض ما بر این است که برنامه‌ریزان به اهمیت موضوع کاهش تبعیض‌ها مبتنی برجنسیت واقفند و مجریان تمایل به اجرایی سازی این موضوع دارند. بنابراین هدف ما، مروری بر وضعیت زنان در حوزه‌های «مهم تر» برای بهبود وضعیت آنان و تقویت نهاد خانواده است. پنج حوزه مهم تر بر اساس نظرات کارشناسان حوزه مسائل زنان انتخاب شده است و امیدوار هستیم که این اطلاعات در تدوین برنامه ششم توسعه با درک ضرورت برقراری عدالت اجتماعی و جنسیتی به کار برده شود.

در بخش اول به طور بسیار مختصر به رهیافت‌های متفاوت در پرداختن به مسائل زنان در برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها اشاره می‌شود و سپس مناسب‌ترین چهارچوب و راهبرد متناسب با شرایط کشور برای برقراری عدالت اجتماعی طرح می‌گردد.

در بخش دوم، بر اساس مسائل و اطلاعات طرح شده در گزارش‌های پنجگانه و با استفاده از یافته‌های پژوهش‌های علمی معتبر، خلاصه‌ای از مهم‌ترین گزاره‌ها درباره جنبه‌های مختلف وضعیت کنونی زنان و خانواده ارائه می‌شود.

در بخش سوم گزارش، پنج حوزه دارای اولویت برای ارتقاء و بهبود وضعیت زنان در خانواده و جامعه در پنج گزارش مجزا تنظیم شده است. روش تدوین این گزارش‌ها به عنوان یک مطالعه کتابخانه‌ای، گردآوری آمارها و اطلاعات قابل دسترسی، ارائه آنها با تمرکز بر مهم‌ترین موضوعات و تحلیل ثانویه برخی از شاخص‌های مفید برای برنامه‌ریزی بوده است. هر

یک از گزارش‌های پنجگانه، موضوعات را در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ مد نظر قرار داده (گرچه در برخی موارد به دلیل ضرورت و یا نبود اطلاعات، فراتر و یا محدودتر از این دوره، اطلاعات ارائه شده است) و سعی شده که تصویری اجمالی از وضعیت زنان در حوزه خانواده، بازار کار، سلامت، تأمین اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی ارائه شود.

بخش اول: تجارب پیشین و رویکرد مناسب

برنامه‌ریزان غالباً با توجه به درک خود از شرایط زنان در کشورشان و با ملاحظه ایدئولوژی حکومت‌ها رویکردی را انتخاب و بر اساس مبانی این رویکرد طرح‌های خاصی را برای زنان طراحی و اجرا کرده‌اند. این رویکردها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ دسته اول زنان را «گروه‌های آسیب پذیر و فقیر» تعریف کرده‌اند. در دسته دوم زنان امکان و وسیله‌ای هستند که باید برای رسیدن به اهداف کلان جامعه تلاش کنند و دسته سوم رویکردها را «عدالت جنسیتی» می‌نامیم.

۱.۱. زنان به مثابه گروه‌های آسیب پذیر

در این مجموعه از رویکردها بر نقش «تولید مثل» و «تولید کنندگی» زنان تأکید شده است. زنان تقریباً جدای از کل جریان جامعه و بدون تأکید بر روابط اجتماعی و ارزش‌های اکتسابی و دلایل پیدایش تبعیض‌ها و نابرابری‌ها میان زنان و مردان، به عنوان گروه هدف تعریف شده‌اند. رویکردهای رفاه و فقرزدایی را می‌توان به عنوان نمونه در این دسته مطرح کرد.

ارایه خدمات در زمینه‌هایی مانند تغذیه، آموزش مهارت‌های خاص زنان و تأمین امکانات کسب معیشت از راه‌حل‌های اساسی این رویکردها است. اجرای طرح‌های اشتغال‌زا در خانه و این که زنان می‌توانند با ایفای نقش همسری و مادری تولیدکننده نیز باشند و به معیشت خانواده کمک کنند، محتوی اصلی این گونه رویکردها را تشکیل می‌دهد.

۱.۲. زنان در تلاش برای تحقق اهداف کلان کشور

بر اساس این رویکرد که بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی تأکید دارد، زنان نیروی کار و منابعی هستند که می‌توانند به رشد و توسعه اقتصادی به عنوان سرمایه‌های انسانی کمک کنند. با پذیرش نقش تولیدکنندگی زنان در مشاغل (زنانه و مردانه) و حضور آنان در عرصه عمومی، قدمی فراتر از رویکردهای دسته اول برداشته شده است.

هدف این رویکرد ارتقاء نقش اقتصادی زنان در توسعه کشور و تأکید بر فراهم آوردن فرصت‌های بیشتر برای آنان است. ارتقاء سرمایه انسانی زنان با آموزش، تأمین فناوری و تکنولوژی‌های مناسب، دسترسی به منابع مالی و سیستم بانکی، برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و... همه به مشارکت زنان در فرایند رشد و توسعه و برخورداری آنان از مواهب توسعه کمک می‌کند.

۱.۳. رویکرد عدالت جنسیتی

عدم موفقیت برنامه‌های توسعه در تحقق عدالت اجتماعی و ماندگاری تبعیض‌ها، نشانه‌های روشنی از ناکارآمدی رویکردهای پیشین است. امروزه آسیب‌پذیر دانستن زنان و ترویج باور آسیب‌پذیری آنان به دلیل «زن بودن» عین تبعیض و نشان‌دهنده سیاست‌ها و برنامه‌های محروم‌کننده زنان از

حقوق انسانی است. همچنین تأکید صرف بر نقش اقتصادی زنان، آنها را منابع انسانی ارزان قیمتی می‌بیند که لزوماً تأمین کننده همه حقوق انسانی آنها نمی‌تواند باشد.

امروزه موضوع «عاملیت زنان» نه به عنوان گروه‌های آسیب پذیر و نه وسیله‌ای برای رشد اقتصادی، بلکه با تأکید بر هر سه نقش زنان یعنی تولید مثل، تولید کنندگی و اجتماعی طرح می‌شود تا با حفظ خصوصیات طبیعی زنان و مردان، درک تفاوت‌ها و مکمل بودن نقش‌های آنان، رفع تبعیض‌های جنسیتی محور سیاست گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه قرارگیرد.

عدالت اجتماعی فقط در صورتی تحقق می‌یابد که منابع انسانی زنان در مجموعه منابع انسانی کشور و برنامه‌ها و بودجه‌های توسعه، حساس به تبعیض‌های روا داشته شده علیه زنان و با هدف ارتقاء جایگاه زنان و تقویت نهاد خانواده تعریف شود. براساس رویکرد عدالت جنسیتی توسعه انسانی پایدار جدا از تغییر و تحول در نگرش‌های جامعه که توسط زنان و مردان تعریف و تداوم یافته اند، قابل دستیابی نخواهد بود.

در نتیجه بر اساس تجربیات ناموفق سایر رویکردها و روند افزایشی تعداد زنان فقیر و باصطلاح آسیب پذیر و افزوده شدن بر فهرست عوامل آسیب زا و ضرورت دستیابی زنان به حقوق انسانی و بهبود وضعیت آنان به عنوان هدف و نه وسیله‌ای برای رشد اقتصادی، رویکرد «عدالت جنسیتی» که سازگاری بیشتری با شرایط کشور ما دارد، پیشنهاد می‌گردد. اساس این رویکرد کسب توازن میان نقش‌های سه گانه زنان و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌هایی است برای تأمین نیازهای عملی و راهبردی آنان در این رویکرد؛ با ارائه فرصت‌های برابر برای همگان (زنان و مردان) در تمامی بخش‌های اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زمینه دستیابی به عدالت اجتماعی فراهم می‌گردد.

استراتژی رویکرد عدالت جنسیتی متفاوت از سایر رویکردها که یکی تأمین حداقل رفاه برای آسیب پذیران و دیگری ارتقاء نقش زنان در رشد اقتصادی بوده، پرداختن به نظام و ساختاری است که برنامه‌های توسعه در آن تدوین می‌شود تا با تحول کلی نهادها، رفاه گروه‌های آسیب پذیر تأمین و زمینه کار و اشتغال برای زنان نیز فراهم شود. این استراتژی را می‌توان «نهادگرا» نامید.

رویکرد عدالت جنسیتی و استراتژی نهادگرا تأکید دارد که تبعیض‌ها علیه زنان تداوم یافته، زیرا در نهادهایی که نقش اصلی و تعیین کننده در ارتقاء جایگاه زنان و بهبود وضعیت آنان در خانواده و جامعه را دارند، تحولی رخ نداده است. بنابراین لازم است که هنجارها، نظام حقوقی، سازمان‌های دولتی و نظام‌های تصمیم گیرنده و سیاستگذار نسبت به عدالت جنسیتی و ضرورت کاهش تبعیض‌ها حساس شوند تا مسائل زنان به علاوه مسائل مردان بخش جدایی ناپذیر فرایند توسعه به حساب آید.

در استراتژی نهادگرا؛ تغییرات فقط برای زنان و حفظ منافع آنان نیست. بهبود جامعه و خانواده در گروه بهبود وضعیت زنان دیده می‌شود. اجرای طرح‌های خاص و محدود برای تأمین معاش گروه خاصی از زنان هدف نیست، فراهم آوردن فضای اجتماعی قابلیت‌زا برای دستیابی مردان و زنان از اهداف اصلی است. اجرای این استراتژی مسئولیت فقط یک دفتر و یا معاونت خاص نیست بلکه مسئولیت همه سازمان‌ها و نهادهای حکومتی است. نظام جامعه شامل باورها، ارزش‌ها، روش‌ها و ارکان سازمان‌های حکومتی و دولتی به عنوان نهادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به صورت بهم پیوسته باید درگیر مسائل زنان در جامعه شوند و تأکید بر کاهش تبعیض‌ها و برقراری عدالت اجتماعی و جنسیتی باید در شریان‌های اصلی جامعه و فرایند توسعه نهادینه شود.

بخش دوم: گزاره‌های مبتنی بر اطلاعات نادرست درباره زنان و خانواده

با بررسی دلایل حاکمیت دیدگاه خشتی‌گرایی جنسیتی بر نظام برنامه‌ریزی و نگرش برنامه‌ریزان کشور، به باورها و گزاره‌هایی می‌رسیم که غالباً بر اساس اطلاعات نادرست شکل گرفته‌اند و تحولات فرهنگی سی سال اخیر را نادیده می‌گیرند.

تعدادی از مهم‌ترین باورهای مبتنی بر اطلاعات ناصحیح که به تداوم تبعیض‌ها علیه زنان و عدم تحقق عدالت اجتماعی کمک کرده، برپایه گزارش‌های مستند و پژوهش‌های علمی ارائه می‌شوند:

۲.۱. همه از نتایج برنامه‌های توسعه برخوردار می‌شوند

برنامه‌ریزان کشور ما بیشتر بر این باورند که برنامه‌های توسعه برای همه مردم تدوین می‌شود و تفاوتی میان زنان و مردان در مشارکت و برخورداری از منافع برنامه توسعه وجود ندارد. برای رد این فرضیه کافی است به اطلاعات مربوط به اشتغال و بیکاری کشور نگاه کنیم (گزارش شماره ۳).

اطلاعاتی که وزارت کار در سال ۱۳۸۴ منتشر نموده، نشان می‌دهد که همه شانس برخورداری از فواید برنامه‌های توسعه و خدمات نهادهای دولتی را به طور یکسان ندارند.

در حالی که در کل جویندگان کار ثبت نام شده نزدیک به ۳۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند (جداول ۶ تا ۸)، اما در مجموع از به کار گمارده شدن، سهم بسیار ناچیزی نصیب آنها شده است. در نهایت ۲۰ درصد از جویندگان مرد به کار گمارده شده‌اند ولی فقط ۹ درصد از متقاضیان زن حتی در میان تحصیلکردگان به شغلی دست یافته‌اند. نمونه دیگر گزارش عملکرد صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی در سال ۱۳۸۴ است (صفحه ۱۱) که نشان می‌دهد فقط ۸/۸ درصد از دریافت کنندگان تسهیلات را زنان به خود اختصاص داده‌اند و کمی بیش از ۹۱ درصد در اختیار مردان قرار گرفته است. بنابراین همه به یک نسبت از فواید برنامه‌های توسعه و اقدامات دولت برخوردار نمی‌شوند.

۲.۲. هنجارهای اجتماعی زنان را از جستجوی کار باز می‌دارد

درک این رابطه که در جوامعی که نگرش‌های مثبت‌تری نسبت به توانایی‌های زنان وجود دارد، احتمال حضور زنان در فضای عمومی و عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتر است، چندان دشوار نیست و تمام تحقیقات هم آن را تأیید می‌کند. اما تصور این که امروزه همان وضعیت سی سال پیش نسبت به کار زنان وجود دارد، افسانه‌ای بیش نیست.

پژوهش اسدی و همکارانش در سال ۱۳۵۳ گزارش کرده بود که در مناطق شهری آن دوره نسبت موافقان به مخالفان زنان بسیار اندک بوده (۲۹/۰) و اکثریت مردم با کار کردن زنان در بیرون از خانه مخالف بوده‌اند. همین موضوع در سال‌های بعد از انقلاب در یک طرح ملی در مناطق شهری

مورد بررسی قرار گرفته و در دهه ۱۳۷۰ نسبت موافقان به مخالفان با کار کردن زن بیرون از خانه در میان مردان حدود ۱ و در جامعه زنان به حدود ۹/۱ درصد رسیده است (عبدی و گودرزی ۱۳۷۸ صفحات ۲۹ و ۳۰، محسنی ۱۳۷۹ صفحات ۲۴۱-۲۳۲). پژوهشی دیگر در چهار استان کشور نشان می‌دهد که در مقابل ۴۷ درصد موافقان با اشتغال زنان، ۳۵ درصد مخالف این امر بوده و بیش از نیمی از افراد جامعه معتقدند که زن باید کسب درآمد نماید (ال اقا ۱۳۷۶ صفحات ۲۵۱ تا ۳۱۴).

بنابراین تغییر نگرش نسبت به کار زنان از سال‌های ۱۳۷۰ که هنوز ورود دختران به دانشگاه‌ها اوج نگرفته بود، آغاز شده است. محسنی در پژوهش خود رابطه سطح سواد با تغییر نگرش در میان زنان و مردان را در سال ۱۳۷۹ (صفحه ۲۳۲) گزارش می‌کند. ۴۲ درصد بیسوادان با کار زنان موافق بود هاند و ۶۴ درصد از تحصیل‌کردگان. بنابراین با روند افزایشی سطح تحصیلات مردان و زنان در دهه‌های بعد، پیش بینی افزایش سهم موافقان با کار زنان بیرون از منزل چندان دشوار نیست.

تحولات فرهنگی را در تفاوت نگرش‌های مادران به دنیا آمده پیش از انقلاب با دختران متولد شده در سال‌های بعد از انقلاب، پژوهش‌های بسیاری گزارش کرده‌اند. در باره «ارجحیت در خانه ماندن زن» در سال ۱۳۷۵، نزدیک به ۲۲ درصد مادران و ۴۲ درصد از دختران با چنین ارجحیتی مخالفت کرده‌اند (جلیوند ۱۳۷۵ صفحه ۱۳۶). سهم دو برابری دختران در مقایسه با مادران و افزایش موافقان نسبت به مخالفان با «کار زنان در بیرون از خانه» موضوع بسیار با اهمیتی در سیاست گذاری‌ها می‌توانست باشد.

فراتر از این پژوهش‌ها، در نظر سنجی‌های علمی در سطح ملی در باره مسائل و نیازهای دختران و زنان کشور، درصد قابل توجهی از دختران و زنان اشتغال و بیکاری را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل خود اعلام

کرده‌اند (مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ۱۳۸۲، مرکز مطالعات جوانان دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۸).

داده‌هایی از این دست ضمن نمایش رابطه مثبت متغیر آموزش و اشتغال زنان، نشان دهنده آغاز تحولات فرهنگی و تغییر هنجارهای اجتماعی اجتماعی (عبدی و گودرزی، ۱۳۸۸؛ عسگری خانقاه و آزاد ارمکی ۱۳۸۰؛ اوجاقلو، ۱۳۹۴؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۶) حداقل از بیست سال پیش بوده و علی‌الاصول می‌بایست برنامه‌ریزان را آماده می‌نمود که رد فرضیه «هنجارهای اجتماعی به عنوان مانعی برای ورود زنان به عرصه‌های عمومی از جمله بازار کار» را باور نمایند.

۲.۳. اشتغال زنان باعث کاهش اشتغال مردان می‌شود

با توجه به نرخ بسیار زیاد بیکاری در جامعه، غالباً سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور نگران افزایش سهم زنان در بازار کار به قیمت تشدید وضعیت بیکاری جامعه می‌شوند. در واقع فرضیه رابطه بین اشتغال زنان و بیکاری جامعه (شامل مردان) را طرح می‌کنند. اطلاعات رسمی بسیاری از کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا و تعدادی از کشورهای اروپایی، درستی فرضیه رابطه دو متغیر نرخ بیکاری جامعه و نرخ مشارکت زنان در بازار کار را رد می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که کشورهایی که سهم زنان در بازار کار آنها بیشتر است، نرخ بیکاری کمتری دارند و برعکس کشورهایی که زنان آنها سهم بسیار کمی در بازار کار دارند از نرخ بیکاری بالاتری رنج می‌برند. (Chamlou ۲۰۰۶:۲۷۱-۲۸۲)

۲.۴. زنان خانه‌دار فعال اقتصادی نیستند

تأکید بسیار بر نقش زنان در رشد اقتصادی بدون در نظر گرفتن نقش تولید

مثل آنها و نادیده انگاشتن کار زنان خانه‌دار مورد ایراد بسیاری از برنامه‌ریزان و پژوهشگران قرار گرفته و در واقع رابطه بین خانه، اقتصاد رسمی، اقتصاد بازار و معیشتی و اقتصاد مراقبت از دیگران (فرزندان، بیماران، سالمندان در منزل) در تحلیل‌های توسعه و برنامه‌ها کمتر دیده شده است. به طور کلی تبیین این که زنان خانه‌دار فعال اقتصادی نیستند از دو وجه درست نیست:

زنان در خانه بیکار نیستند

گرچه بسیاری از زنان بیکار بر اثر خطای آماری در زمره خانه‌دارها طبقه بندی می‌شوند ولی بسیاری از زنان خانه‌دار نیز با این که در بخش غیر رسمی کار و فعالیت می‌کنند، خانه‌دار محسوب می‌گردند. بنابراین همچنان که نرخ بیکاری رسمی ممکن است درست نباشد، مشارکت واقعی زنان در کشور نیز احتمالاً بیش از مقادیر رسمی اعلام شده است. در پژوهشی قابل تعمیم به شهر تهران (زنان ۱۸ سال به بالا) با این که ۶۹ درصد از زنان خود را خانه‌دار معرفی کرده بودند، نزدیک به ۱۰ درصد فعالیتی را هم برای کسب درآمد در خانه انجام می‌داده‌اند (دیهمیم و همکاران ۱۳۸۲) در واقع شاغل بخش غیر رسمی بوده‌اند.

اقتصاد مراقبت

در هیچ یک از داده‌ها و آمارهای رسمی اثری از اقتصاد منزل مانند غذا پختن و نظافت و یا نقش مراقبتی زنان از کودکان و سالمندان نیست. ترابی (۱۳۷۱) محاسبه کرده است که فعالیت طبخ غذا در منزل توسط زنان معادل ۲۰۴۸ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت و حدود ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور در سال مذکور است. با توجه به این که سهم ارزش افزوده بخش

نفت در تولید ناخالص داخلی کشور در آن دوره حدود ۱۵ تا ۱۹ درصد بوده، می‌توان عنوان کرد که سهم فعالیت‌های زنان در زمینه فقط طبخ غذا کمتر از سهم نفت در کل اقتصاد نیست.

۲.۵. زنان تجربه و علم لازم را برای مدیریت ندارند

در پنجاه سال اخیر، زنان بیشتری وارد بازار کار کشور شده‌اند و تلاش کرده‌اند که سهم بیشتری در عرصه‌های اقتصادی به دست آورند. بنابراین باید تجربه کافی در انجام کارها را در این پنج دهه به دست آورده باشند. مقایسه آمار مربوط به زنان و مردان تحصیلکرده نشان از حداقل سه برابر بودن سهم زنان شاغل تحصیلکرده نسبت به مردان در تمام سه دهه اخیر دارد (گزارش شماره ۳). پس چگونه است که سهم مردان مدیر در کل اشتغال مردان خیلی بیشتر از سهم زنان مدیر در کل اشتغال زنان است. افزایش مشارکت اقتصادی زنان همانند کمیت دستیابی آنان به پایگاه‌های مدیریتی با موانع بسیاری مبتنی بر اطلاعات نادرست مواجه گردیده است (شادی طلب، ۱۳۷۸). این درحالی است که با روند افزایشی سطح تحصیلات زنان، دسترسی به اطلاعات روز و اعتماد به نفس و تجربه کار حداقل در بخش عمومی و سازمان‌های دولتی، زنان نه تنها انتظار دستیابی به شغل مناسبی را دارند بلکه آمادگی کافی برای ارتقاء به پست‌های مدیریتی را نیز به دست آورده‌اند.

۲.۶. زنان در پی پست و مقام نیستند چون اولویت آنها چیز دیگری است

در برخی موارد این فرضیه عنوان می‌شود که زنان تمایلی برای ورود به پست‌های مدیریتی ندارند. البته باید بپذیریم که زنان مانند دیگران می‌توانند حق انتخاب داشته باشند اما این فرضیه در مورد عدم تمایل زنان به تکیه

زدن بر صندلی‌های مدیریت، از نگاه مردان منصوب کننده مدیران، چندان تأیید شده نیست. تحقیقات باطل بودن چنین برداشتی را گزارش می‌کنند؛ در پژوهش محسنی که در سطح ملی انجام شده، اهمیت مقام و انتظار زنان برای دستیابی به موقعیت بالاتر (۱۳۷۹ صفحه ۳۶۲) به روشنی گزارش شده است.

۲.۷. فقط یک نفر (یعنی مرد) باید تأمین کننده هزینه‌های زندگی باشد

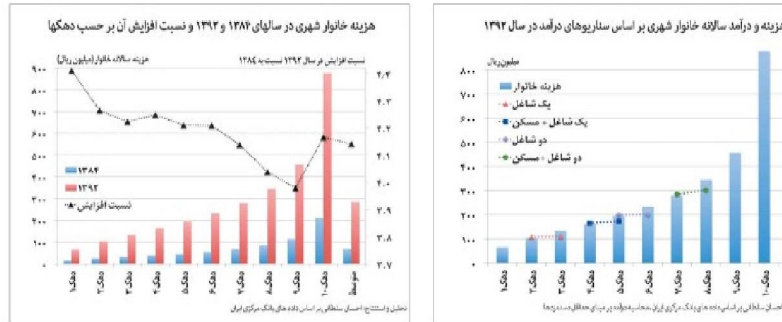
با توجه به هزینه‌های فزاینده زندگی بویژه در جامعه شهری، ارتقاء سطح اطلاعات مردم نسبت به نحوه زندگی در سایر کشورها و تلاش پدر و مادرها برای فراهم آوردن امکان آموزش بیشتر، تغذیه بهتر و تأمین زندگی و آینده فرزندان، اشتغال یک عضو خانواده برای تأمین نیازها و پاسخگویی به چنین انتظاراتی کافی نمی‌تواند باشد.

وضعیت غالباً بد اقتصادی خانواده‌هایی که فقط یک نفر در خانواده شاغل و مسئول تأمین هزینه‌ها است مانند اکثریت خانوارهای زن سرپرست (در کنار سایر عوامل) شاهدهی بر این مدعاست (گزارش شماره ۱). علاوه بر این بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که برای رهایی از فقر، اشتغال دو نفر و فراهم بودن مسکن ضروری است (سلطانی، ۱۳۹۴).

بنابراین این باور که مردان تنها نان آوران خانواده باید باشند نه تنها فشار اقتصادی و روانی سنگینی بر مردان تحمیل می‌کند و کمکی به ارتقاء کیفیت زندگی خانواده نمی‌نماید، بلکه دیگرامکان پذیر نیز نیست.

نمودار ۱. کاهش فقر و بهبود وضعیت زندگی با شاغلین بیشتر در خانواده

افزایش هزینه‌های زندگی در شهرها موجب شد
نیاز ۸۰ درصد خانوارها به دو شاغل و یک مسکن



۲.۸. امید به زندگی زنان بیشتر از مردان و این دلیل بهتر شدن وضعیت زنان است

تفاوت امید به زندگی میان زنان و مردان حاکی از آن است که زنان در این شاخص نسبت به مردان وضعیت بهتری دارند (گوارش شماره ۲) اما این که کیفیت زندگی زنان و چه تعداد از سال‌های عمر آنها با ناتوانی یا ابتلاء به بیماری‌ها همراه است، فراموش می‌شود.

در ایران زنان معادل دهسال از عمر خود را بدون سلامت کامل زندگی می‌کنند که نشان می‌دهد هنوز وضعیت سلامتی و زندگی آنها با سطح مطلوب فاصله بسیار زیادی دارد.

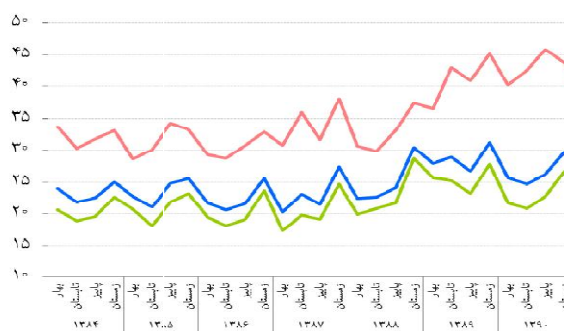
۲.۹. دختران و پسران نمی‌خواهند ازدواج کنند

به استناد فرضیه‌های تأیید شده در پژوهش‌های متعدد، دختران همانند پسران به دلیل ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها، ازدواج را به تأخیر می‌اندازند و میانگین سن در اولین ازدواج برای هر دو (البته دختران بیشتر) افزایش یافته است.

گزارش وضعیت زنان ۲۱

بنابراین انتظار می‌رود با تمایل به آموزش و ادامه آن تا سطوح بالاتر همسران و مادران بهتری تربیت می‌شوند. اما آنچه که غالباً نادیده گرفته می‌شود علت‌های دیگر و اصلی این تاخیر در ازدواج یعنی وضعیت بیکاری و اشتغال پسران جوان است. پژوهش‌ها در سطح ملی گزارش می‌کنند که در خانواده‌های متمول دختران زودتر شوهر می‌کنند (ضرابی و مصطفوی ۱۳۹۰) و مکنت مالی خانواده دختر این امر را امکان‌پذیر می‌سازد. اطلاعات رسمی مرکز آمار ایران در مورد بیکاری جوانان (پسران و دختران) نشان‌دهنده وضعیت بد اقتصادی جوانان و متغیر تعیین‌کننده تقاضای ازدواج و تشکیل خانواده است.

نمودار ۲. نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله به تفکیک فصل و جنس در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳



۲.۱۰. افزایش طلاق نتیجه زیاده خواهی‌ها و ناسازگاری‌های طرفین است

به طور یقین عوامل متعدد شخصیتی و اجتماعی در انحلال خانواده و تحمیل هزینه‌های روانی سنگین به هر دو طرف موثر هستند. بنابراین هر نوع آموزشی برای آماده‌سازی جوانان در پذیرش مسئولیت تشکیل خانواده و یا ارائه آموزش‌ها و مشاوره‌ها برای کاهش اختلاف و یافتن راه‌حل‌های

مسألت آمیز برای ادامه زندگی ضروری است. اما بر اساس اطلاعات موجود جامعه دچار دو مشکل اساسی شده است که بدون حل یکی، پرداختن به دیگری مشکلی را حل نخواهد کرد:

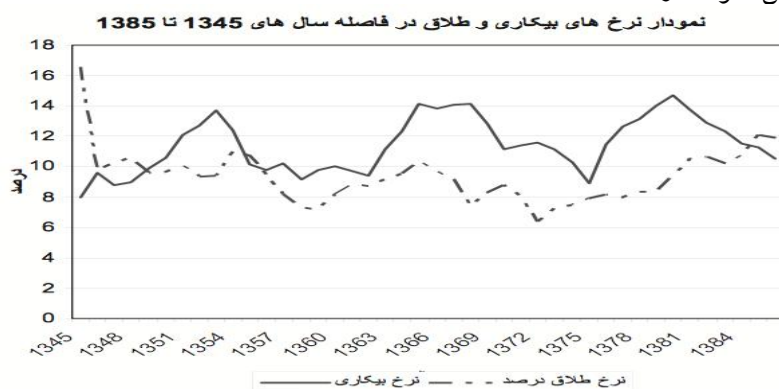
کم‌اهمیت شمردن مسئله اشتغال و بیکاری (وضعیت اقتصادی خانواده)

اصرار بر تحمیل باورهایی که نسل جدید به آن تعلق خاطر ندارد

تحولات فرهنگی در دهه هشتاد و یا سال‌های زمامداری آن دولت یا این دولت، شروع نشده است. پژوهش‌های سال‌های بعد از جنگ، زمانی که فرصتی برای تحقیق فراهم شد، همه تغییر نگرش‌ها و تفاوت‌های نسلی را گزارش کرده‌اند اما برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توجهی به این یافته‌ها ننمودند. البته منظور این نیست که اگر توجهی می‌کردند می‌توانستند جلوی آن را بگیرند، اما با دقت در این یافته‌های علمی، می‌توانستند موضوع را بهتر درک کنند و بجای مقابله و خصومت، به راه‌های استفاده از این تحولات در جهت پیشبرد اهداف جامعه و کیفیت زندگی‌ها بپردازند.

گزارش‌های سازمان‌های مسئول در باره مهم‌ترین دلایل طلاق بر اساس علت‌های عنوان شده توسط زن و مرد (اولین دلیل «عدم تفاهم» ذکر شده است. گزارش شماره ۱)، در عین درستی احتمالاً همه حقیقت نیست، زیرا «عدم تفاهم» دلیلی است که برای همه چیز و همه موارد می‌توان به کار برد. یافته‌های پژوهش‌ها در پنجاه سال اخیر و نه فقط سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رابطه وضعیت اقتصادی و بیکاری و طلاق را به خوبی نشان می‌دهد (عیسی زاده و همکاران ۱۳۹۳). بنابراین تا افزایش فرصت‌های اشتغال و کسب درآمد کافی اعضای خانواده، باید اندکی تامل

کرد و امیدوار بود که با کاهش بیکاری حداقل یکی از عوامل اصلی طلاق از بین خواهد رفت.



۲.۱۱. خانواده‌ها هنوز مقید به رعایت هنجارهای گذشته اند

بررسی پیامدهای دو تغییر اساسی در قانون حمایت از خانواده در سال‌های پایانی دهه پنجاه یعنی کاهش سن ازدواج دختران به ۹ سال و اختیارات بیشتر به مردان برای طلاق همسرانشان و یا چند همسری، می‌تواند به ارزیابی «تناسب» سیاست‌های اتخاذ شده برای تحکیم خانواده با وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه کمک کند.

بر اساس اطلاعات سرشماری ۱۳۵۵، ازدواج‌های اعلام شده دختران کمتر از ۱۴ سال رقمی نزدیک به ۸/۱ درصد بوده که در دهه شصت پس از تغییر قانون به حدود ۲ درصد افزایش یافت. گرچه ازدواج ۱۱۲ هزار دختر بچه رقم قابل توجهی است ولی واقعیت این است با تغییر سن ازدواج، خانواده‌ها دخترانشان را در ۹ سالگی و بعدها در ۱۳ سالگی، تشویق به تشکیل خانواده نکرده و نمی‌کنند.

در مورد چند همسری، پژوهش‌های انجام شده در سال ۱۳۵۳ گزارش

کرده بودند که نخبگان [تحصیل‌کردگان] ۸۶ درصد و بیسوادان ۵۶ درصد با چند همسری مخالف هستند (اسدی و همکاران ۱۳۵۳). یافته‌های یک پژوهش ملی در سال ۱۳۷۹ (پس از بیست سال)

نشان می‌دهد که ۹۳ درصد از زنان و ۹۰ درصد از مردان مخالف چند همسری هستند (محسنی صفحه ۹۴) و میزان مخالفت زنان و مردان با سطح سواد افزایش می‌یابد. بدین ترتیب متناسب بودن این گونه سیاست‌ها و میزان اثرگذاری آنها بر تصمیم‌های مردان و زنان در تشکیل و تحکیم خانواده موضوع در خور توجهی است.

به استناد گزارش‌های پژوهشی (عبدی و گودرزی ۱۳۸۸، ازاد ارمکی و ظهیری ۱۳۸۹، ۲۰۰۴ Azadarmaki and Ghafari)، در سه دهه اخیر، نظام درونی خانواده‌ها نیز تحولاتی را تجربه کرده و می‌کند که برنامه‌ریزان از آن غفلت کرده‌اند. در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب مرد (پدر) تقریباً تصمیم‌گیر مطلق بوده ولی در سال‌های پایانی دهه هفتاد فقط در یک سوم خانواده‌ها (۵/۳۵٪) پدر تنها تصمیم‌گیر خانواده بوده است (محسنی ۱۳۷۹). این اتفاق نه فقط در شهرها بلکه مطالعات درباره تفاوت‌های نسلی میان پدران و پسران، حاکی از آن است در دورترین نقاط روستایی هم این تغییرات در حال وقوع است (Shaditalab and Mehrabi ۲۰۱۰).

۲.۱۲. آسیب‌های اجتماعی زنانه شده‌اند

طرح فرضیه «زنانه شدن آسیب‌ها» در ایران، با توجه به منطق استفاده از این مفهوم و اطلاعات موجود نادرست است. در دهه هفتاد میلادی برای اولین بار بحث «زنانه شدن فقر» مطرح شد.

(UN ۲۰۰۹، UNIFEM ۱۹۹۵، Moghadam ۱۹۹۷، Marmel and Judie ۱۹۹۱)

و هنوز هم از این عنوان برای زنان بویژه زنان سرپرست خانوار به کار

برده می‌شود. دلایل برقراری چنین رابطه‌ای بین فقر و جنسیت اطلاعات مربوط به فقرا و وضعیت آنها است؛

□ از مجموع ۳/۱ میلیارد فقیر جهان، ۷۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند
□ زنان شاغل در کشورهای در حال توسعه اکثریت (حدود دو سوم) خود اشتغال و یا کارکن فامیلی بدون مزد هستند
□ فقط ۳۰ درصد نیروی کار رسمی را زنان تشکیل می‌دهند بنابراین اکثریت از حمایت‌های قانونی و تأمین اجتماعی برخوردار نیستند (گزارش شماره ۴).

□ زنان ۱۰ درصد از درآمدهای جهان را به دست می‌آورند.

□ فقط ۱ درصد از دارایی‌های جهان متعلق به زنان است.

با چنین سهمی از درآمدها و دارایی‌ها و اشتغال در بخش غیر رسمی و یا بدون مزد، طبیعتاً امید چندانی به رهایی از فقر نیست. بنابراین سهم هفتاد درصدی زنان از فقرای جهان، استفاده از مفهوم «زنانه شدن فقر» را قابل قبول می‌نماید. همچنان که این موضوع در مورد زنان سرپرست خانوار کشور ما نیز که حدود نیمی از آنها در دهک‌های اول و دوم درآمدی (فقیرترین فقرا) قرار می‌گیرند (گزارش شماره ۱) کاملاً صادق است.

اما استفاده از عنوان «زنانه شدن اعتیاد» یا «زنانه شدن آسیب‌های اجتماعی»، به فرض صحت ارقام گزارش شده (حدود ۱۰ درصد مصرف کنندگان مواد) اصولاً درست نیست (گزارش شماره ۵). در مورد سایر جرایم نیز به استناد اطلاعات قابل دسترسی زنانه نشده‌اند. بنابراین این فرضیه تأیید نمی‌شود.

گرچه به طور یقین رد این فرضیه به معنای عدم ضرورت توجه برنامه‌ریزان به این گونه مسائل زنان و دلایلی که این مشکلات ایجاد شده و بروز می‌یابند، نیست. زیرا در بسیاری از آسیب‌ها زنان قربانی آسیب هستند

و نه عامل آن مانند؛ اجبار به تن فروشی، اجبار به تکدی گری، افزایش مبتلایان به بیماری‌های عفونی مانند ایدز و.....

جمع بندی

در سه دهه گذشته زنان کشور ما شاهد تغییرات بیشماری بوده‌اند. زنانی که اکثریت در حاشیه روابط اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشتند و نقش اقتصادی آنها غالباً نادیده گرفته می‌شد، مسیر بهبود وضعیت و ارتقاء جایگاه خود در خانواده، بازار کار و جامعه را در افزایش سطح آگاهی‌ها با کسب اطلاعات، آموزش و ورود به دانشگاه‌ها یافتند.

اکنون با مجهز شدن به دانش و مهارت، طالب مشارکت بیشتر در مدیریت خانواده و جامعه هستند و انتظار موقعیت‌های بالاتری را در نظام کشور دارند. شاید در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، این فقط انتظار قشر کوچکی از زنان جامعه بود. اما امروز با حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و ملحق شدن گروه قابل توجهی از زنان خانواده‌های به اصطلاح سنتی و گاهی از طبقات اجتماعی و اقتصادی کم درآمد به گروه نخبگان و تحصیلکردگان، این انتظار به یک تقاضای گسترده تبدیل شده است.

بر اساس اطلاعات قابل دسترسی (آمارهای رسمی و پژوهش‌های معتبر) وضعیت موجود زنان و تغییرات دهه گذشته در پنج حوزه اصلی زندگی آنان شامل خانواده، سلامت، بازار کار، تأمین اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در بخش سوم گزارش ارائه می‌شود. این گزارش‌ها صرفاً بیان وضعیت موجود زنان در سطح ملی، بدون هیچ گونه قضاوتی از سوی پژوهشگران است. تدقیق چالش‌ها و پیشنهاد مناسبترین راهکارها، به کارشناسان خبره در هر یک از حوزه‌ها و برگزاری جلسات هم‌اندیشی و

جمع بندی تبادل اطلاعات، موکول شده است.
امیدواریم که فرصت کافی برای تدوین همین گزارش‌ها به تفکیک
استان‌ها و یا مناطق همگن‌تر استانی فراهم شود.

بخش سوم: گزارش وضعیت زنان (بیمه‌های اجتماعی)

خلاصه مدیریتی

□ مطابق قانون، نظام تأمین اجتماعی در حوزه بیمه‌ای، به اموری همچون بازنشستگی، بیکاری و... می‌پردازد و به اقشار خاصی همچون معلولین، بیوگان زنان سالخورده و مسئول خانوار و زنان و دختران خودسرپرست توجه ویژه دارد.

□ در سال ۱۳۹۲ از جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر، ۸۲/۹ درصد را کارکنان بخش خصوصی و ۱۷/۱ درصد را حقوق‌بگیران بخش عمومی تشکیل داده‌اند. سهم اشتغال مردان در بخش خصوصی ۸۴/۵ و برای زنان ۷۳/۶ درصد بوده است. همچنین سهم اشتغال در بخش عمومی برای مردان ۱۵/۵ و برای زنان ۲۶/۴ درصد بوده است.

□ در سال ۱۳۹۰ از شاغلان ده ساله و بیشتر کشور حدود ۱۰/۶۲ میلیون نفر مزد و حقوق‌بگیر و ۸/۹۶ میلیون نفر غیر مزد و حقوق‌بگیر بوده‌اند.
□ حدود ۶/۱۲۲ میلیون نفر شاغل کشور خارج از پوشش بیمه باز

نشستگی بوده‌اند که حدود ۱۰۰۰ نفر آنها مزد و حقوق بگیر مشمول بیمه اجباری و حدود ۶/۱۲ میلیون نفر غیر مزد و حقوق بگیر مشمول بیمه غیر اجباری بوده‌اند.

□ شاخص نمایش جمعیت تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی، ضریب نفوذ بیمه اجتماعی است که برای جمعیت ۷۵ میلیونی ایران، عدد ۶۵ درصد را نشان می‌دهد. این ضریب حاکی از آن است که ۳۵ درصد جمعیت کشور تحت پوشش هیچ گونه بیمه اجتماعی نیستند.

□ شاخص ضریب نفوذ بیمه اجباری ۹۹ درصد، شاخص ضریب نفوذ بیمه غیراجباری ۴۳ درصد و نسبت میانگین دریافتی مستمری بگیران به میانگین سطح معیشت جامعه ۵۵ درصد است.

□ ۴۶ درصد جمعیت کل کشور تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی صندوق تأمین اجتماعی قرار دارند. این صندوق تعداد، ۲/۴۵۴/۹۱۸ نفر زن را تا پایان سال ۱۳۹۳ تحت پوشش انواع بیمه‌های اجباری، غیراجباری و بیکاری قرار داده است.

□ شاخص ضریب پوشش بیمه اجتماعی جمعیت فعال زن در سال ۱۳۹۳ به ۵۴ درصد رسیده است و این بدان معنی است که این سازمان توانسته است ۵۴ درصد از این جمعیت را تحت پوشش خود قرار دهد.

□ شاخص ضریب پوشش بیمه‌ای شاغلین زن ۷۵ درصد، شاخص ضریب نفوذ بیمه اجباری آنان ۹۱ درصد، شاخص ضریب نفوذ بیمه غیر اجباری ۵۷ درصد و شاخص ضریب پوشش بیمه بیکاری ۳۱ درصد است.

□ سهم زنان از بیمه شدگان اصلی از ۶/۲ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۹ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. این در حالی است که برای مردان از ۹۳/۸ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۸۱ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است.

□ جمعیت زنان بیمه شده اجباری کمتر از مردان بوده و از سال ۱۳۸۵

گزارش وضعیت زنان ۳۱

به بعد روند صعودی را طی کرده است. درصد زنان بیمه شده اجباری در سال ۱۳۸۷، از ۱۴ درصد (در مقابل ۸۶ درصد مردان) به ۱۸ درصد (در مقابل ۸۲ درصد مردان) در سال ۱۳۹۲ افزایش داشته است.

□ در سال ۱۳۹۲، ۹۱ درصد از شاغلین زن اجباری (مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی و عمومی) تحت پوشش قرار گرفته و ۹ درصد هنوز تحت پوشش قرار نگرفته‌اند.

□ در سال ۱۳۹۲، از مجموع شاغلین زن غیر اجباری (اختیاری)، ۵۷ درصد تحت پوشش بیمه قرار گرفته‌اند و ۴۳ درصد هنوز تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار نگرفته‌اند.

□ زنان مشمول بیمه خاص شامل (حرف و مشاغل آزاد، رانندگان، بافندگان و اختیاری‌ها) هستند از ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است. از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲، به دلیل تسهیل در مقررات، سهم زنان در بیمه حرف و مشاغل آزاد از حدود ۹ درصد به حدود ۴۶ درصد رسیده است. این در حالی است که سهم مردان از حدود ۹۲ درصد به حدود ۵۵ درصد رسیده است.

□ در سازمان تأمین اجتماعی، زنان و مردان تا سن ۲۹ سالگی میانگین سوابق یکسانی دارند، اما پس از آن زنان به واسطه ازدواج، نگهداری از فرزند و... مسیر شغلی متفاوتی را نسبت به مردان طی می‌نمایند و میانگین سوابق آنها کاهش می‌یابد.

□ ۲۵ درصد از شاغلان بخش غیر رسمی کشور را زنان تشکیل می‌دهند؛ در حالی که تنها ۱۰ درصد مشاغل رسمی کشور به زنان اختصاص دارد. این امر سبب شده تا حدود نیمی از زنان شاغل، در بخش غیر رسمی فعالیت داشته باشند.

□ زنان به واسطه اشتغال بیشتر در مشاغل غیر مزد و حقوق بگیر

عمدتاً در گروه بیمه شدگان اختیاری (غیر اجباری) قرار می‌گیرند.

□ زنان خانه دار و زنان سرپرست خانوار شهری تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی توسط سازمان تأمین اجتماعی و زنان روستایی و عشایر و زنان سرپرست خانوار روستایی و عشایر تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی نیز توسط صندوق روستائیان و عشایر بیمه می‌شوند که امید است با اجرای بیمه فراگیر مبتنی بر لایه‌های چندگانه تمامی این افراد تحت پوشش قرار گیرند.

۱. مقدمه

بیمه‌های اجتماعی از جمله نهادهای بنیادی توسعه کشورها به شمار می‌آیند. فرایندهای نوسازی در هیچ کشوری بدون گسترش این بیمه‌ها اتفاق نیفتاده و در عرصه جهانی نیز حق برخورداری از آن، مطابق ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، جزو حقوق اساسی افراد به شمار می‌رود. براساس ماده ۲۹ قانون اساسی کشور ما نیز برخورداری از تأمین اجتماعی در بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی و... حقی همگانی و تکلیفی حاکمیتی است، اما مهم‌ترین اقدام عملی در این زمینه تدقیق این اصل در برنامه چهارم توسعه با تأکید بر ایجاد ساختارهای اجرایی و مناسب و پس از آن تصویب «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» در سال ۱۳۸۳ در مجلس بوده است که به موجب آن، عملاً نهاد مشخصی مسئولیت سیاست‌گذاری، نظارت و پاسخگویی در این حوزه و دیگر حوزه‌های سیاست اجتماعی را بر عهده گرفت.

در نظام‌های رفاه اجتماعی، بخش بیمه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که بر مبنای حق ایجاد شده‌ای شکل گرفته که ناشی از مشارکت فرد در فرآیندهای تولید است؛ این حق هم حساسیت افراد را نسبت به این حوزه بیشتر می‌کند و هم شأن انسانی نیروی کار به بهترین شکلی رعایت می‌شود.

هدف از برقراری نظام تأمین اجتماعی، کاهش فقر و تأمین معیشت افراد جامعه در هنگام قطع یا کاهش درآمد است. تأمین و ارتقای سطح بهداشت، ایجاد آرامش خاطر در نیروی کار و صاحبان سرمایه و باز توزیع درآمدها در جهت برقراری عدالت اجتماعی از دیگر اهداف نظام‌های تأمین اجتماعی است.

تأمین اجتماعی به برنامه‌ای اطلاق می‌شود که به منظور حمایت از همه مردم در جهت تأمین سطح ایمنی از درآمد در مقابل وقایع و اتفاقاتی مانند کهنسالی، ازکارافتادگی، ناتوانی، بیکاری و بیماری به صورت قانونی یا از طریق توافقات الزام آور طراحی و اجرا می‌شود و اقدامات درمانی و پیشگیری از بیماری را نیز شامل می‌شود.^۱

مطابق ماده ۱ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در اجرای اصل بیست و نهم (۲۹) و همچنین بندهای (۲) و (۴) اصل بیست و یکم (۲۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای انسجام سیاستهای رفاهی، توسعه عدالت اجتماعی و حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و پیامدهای آن، نظام تأمین اجتماعی با رعایت شرایط و مفاد این قانون برای سه حوزه بیمه‌ای، توانبخشی و حمایتی و امدادی در موارد و گروههای زیر برقرار شده است:

- حمایت از مادران به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند
- بیمه خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی
- بیمه خاص بیوگان، زنان سالخورده و خودسرپرستی
- حمایت از کودکان و زنان سرپرست خانوار
- بی‌سرپرستی و آسیب‌های اجتماعی
- ناتوانی‌های جسمی، ذهنی و روانی
- کاهش نابرابری و فقر
- از کار افتادگی و فوت
- حوادث و سوانح
- در راه ماندگی

۱. بیمه اجتماعی برنامه دولتی است که مشارکت در آن اجباری است. (مریدی، ۱۳۷۸: ۷۲)

□ باز نشستگی

□ امداد و نجات

□ بیکاری

□ پیری

اگر چه قانون نظام رفاه و تأمین اجتماعی سه حوزه یاد شده را در بر می‌گیرد، اما این نوشتار با هدف گزارش وضعیت زنان در برخورداری از بیمه‌های اجتماعی بر حوزه بیمه‌ای از حوزه‌های سه‌گانه متمرکز شده و میزان بهره‌مندی زنان از بیمه‌های اجتماعی را در دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۰ با استناد به مدارک و آمارهای رسمی سازمان‌های مسئول مورد بررسی قرار می‌دهد.

با اشاره‌ای به تعاریف هر یک از حوزه‌های تأمین اجتماعی در قسمت دوم، وضعیت جمعیت شاغل کشور و زنان فعال اقتصادی در بخش‌های رسمی و غیر رسمی در قسمت‌های سوم و چهارم گزارش طرح می‌شود. اطلاعات مربوط به پوشش بیمه‌ای زنان به سه قسمت تفکیک شده است: بیمه‌های اجتماعی زنان شاغل در بخش رسمی توسط سازمان تأمین اجتماعی و صندوق باز نشستگی کشور، مسئله بیمه زنان شاغل در بخش غیر رسمی اقتصاد و پوشش بیمه‌ای زنان غیر فعال اقتصادی (عمدتاً خانه‌دار) که به دلیل اهمیت و شرایط خاص دو گروه از زنان، موضوع پوشش بیمه‌ای آنها جداگانه و در آخرین قسمت گزارش ارائه خواهد شد.

۱.۱. تعریف مفاهیم

بیمه شده

مطابق قانون تأمین اجتماعی، شخصی است که رأساً مشمول مقررات تأمین اجتماعی است و با پرداخت مبلغی با عنوان حق بیمه، حق استفاده از مزایای

مقرر در قانون را دارد. این تعریف می‌تواند بیمه‌شدگان دیگر سازمان‌های بیمه اجتماعی را نیز در بر گیرد.

بیمه شده اصلی

بیمه شده‌ای است که رأساً مشمول مقررات سازمان بیمه گر می‌شود. بیمه‌شدگان اصلی تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی شامل بیمه‌شدگان اجباری (دولتی و غیر دولتی)، توافقی، بیکاری و خاص (حرف و مشاغل آزاد، بافندگان، رانندگان، اختیاری و کارگران ساختمانی) هستند.

بیمه شده تبعی (خانواده بیمه شده)

شخص یا اشخاصی هستند که به تبع شخص بیمه شده اصلی می‌توانند از مزایای مقرر در قانون سازمان بیمه گر استفاده کنند.

بیمه شده اجباری

بیمه شده‌ای است که به دستور کارفرما یا نماینده او در محلی به نام کارگاه کار می‌کند و مزد یا حقوق در یافت می‌کند.

بیمه شده غیر اجباری

شامل بیمه شده توافقی و خاص (اختیاری، حرف و مشاغل آزاد، بافندگان، رانندگان و سایر) می‌باشد.

بیمه شده توافقی

فردی است که بدون رابطه مزد گیری و بر اساس توافق سازمان تأمین اجتماعی با شخص حقوقی ذیربط تحت پوشش قرار می‌گیرد. بیمه توافقی

شامل طلاب، روحانیون، رزمندگان، بسیجیان فعال، مداحان و شاعران و
باربران می‌شود.

بیمه شده خاص

افرادی هستند که کارفرما نداشته و تابع ضوابط خاصی از تأمین اجتماعی
شامل (حرف و مشاغل آزاد، رانندگان، بافندگان و اختیاری‌ها) هستند.

بیمه شده اختیاری

افرادی هستند که بنا به عللی غیر از علل مندرج در قانون تأمین اجتماعی از
ردیف بیمه شدگان اجباری خارج می‌شوند و با انعقاد قرارداد بیمه خود را به
صورت اختیاری ادامه می‌دهند.

بیمه شده حرف و مشاغل آزاد

بیمه شده‌ای است که برای انجام حرفه و شغل مورد نظر با داشتن کارگر
(کار فرما) یا خود به تنهایی (خویش فرما) به استناد مجوز اشتغال صادر
شده از سوی مراجع صلاحیت دار یا به تشخیص هیات مدیره سازمان تأمین
اجتماعی به کار اشتغال دارد.

بیمه شده خویش فرما

تمامی صاحبان حرف و مشاغل آزاد و متقاضیان پوشش بیمه‌ای که از
خدمات هیچ یک از صندوق‌های بیمه‌ای سازمان بیمه خدمات درمانی، تأمین
اجتماعی، نیروهای مسلح و کمیته امداد برخوردار نبوده و رأساً نسبت به
پرداخت صد در صد حق بیمه اقدام می‌نمایند.

غیر مزد و حقوق بگیر

شامل کارفرمایان، کارکن مستقل و کارکن فامیلی بدون مزد می‌شود.

پرونده

جمعیت کل مستمری بگیران شامل (بازنشسته، ازکارافتاده، بازمانده، فوت شده و...) را با پرونده نشان می‌دهند.

ضریب پوشش تأمین اجتماعی

بیانگر نسبت تعداد افراد بیمه‌شده اصلی به کل افرادی است که باید بیمه شوند (برنامه راهبردی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۷: ۱۷).

شاغل

به کلیه کسانی که در طول هفته آمارگیری طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کار را ترک کرده باشند شاغل محسوب می‌شوند. شاغلان به طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق بگیران و خود اشتغالان می‌شوند.

۲. حوزه‌های سه گانه نظام تأمین اجتماعی

حوزه بیمه‌ای

بازنشستگی، بیکاری، حوادث و سوانح، ازکارافتادگی و بازماندگان و بخش بیمه‌های درمانی (بهداشت و درمان) در این حوزه قرار می‌گیرد. در این راستا خدمات بیمه‌های اجتماعی و درمانی به دو سطح همگانی و تکمیلی تقسیم می‌شود؛ به طوری که حدود خدمات بیمه‌ای همگانی را

قانون تعیین می‌کند.

حوزه حمایتی و توانبخشی

شامل ارائه خدمات حمایتی و توانبخشی و اعطای یارانه و کمک‌های مالی به افراد و خانواده‌های نیازمندی است که به دلایل گوناگون قادر به کار نیستند و یا در آمد آنان تکافوی حداقل زندگی آنان را نمی‌نماید. از مهم‌ترین وظایف این حوزه فراهم سازی امکانات، آموزش بازتوانی و ایجاد مهارت‌های شغلی برای زنان سرپرست خانوار و خود سرپرست، افراد محروم از فرصت‌های برابر اجتماعی و آسیب دیدگان اجتماعی است. همچنین حمایت از مادران به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از معلولین در جهت تأمین استقلال و خودکفایی و ارائه خدمات پیشگیری از بروز یا تشدید معلولیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی از دیگر وظایف این حوزه است.

حوزه امدادی

امداد و نجات در حوادث غیر مترقبه را شامل می‌شود.

۲.۱. حوزه بیمه‌ای و رویکرد مبتنی بر اشتغال آن

مهم‌ترین وظایف حوزه بیمه‌ای، گسترش نظام بیمه‌ای و تأمین سطح بیمه همگانی برای همه افراد جامعه با اولویت بیمه‌های مبتنی بر بازار کار و اشتغال، تشکیل صندوق‌های بیمه‌ای مورد نیاز همچون بیمه حرف و مشاغل آزاد (خویش فرمایان و شاغلان غیر دائم)، بیمه روستاییان و عشایر و بیمه اجباری مزد بگیران است. در حال حاضر صندوق‌های بیمه اجتماعی در سه بخش وجود دارند:

دولتی

سازمان بازنشستگی کشوری، سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح.

عمومی و غیر دولتی

سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر و صندوق کارکنان شرکت نفت.

صنفي اختصاصی

صندوق کارکنان بانک مرکزی، صندوق کارکنان سازمان بنادر و کشتیرانی، صندوق کارکنان بیمه مرکزی و...

از بین صندوق‌های یاد شده، مهم‌ترین آنها بازنشستگی کشوری، تأمین اجتماعی و روستاییان و عشایر بوده و از بین این ۳ صندوق نیز بزرگترین آنها یعنی صندوق سازمان تأمین اجتماعی بیشترین افراد را تحت پوشش خود قرار داده است. بر اساس قانون رفاه و تأمین اجتماعی، گروه‌های هدف در حوزه تأمین اجتماعی زنان و خانواده شامل زنان شاغل و جویای کار، خانواده‌های کم درآمد و نیازمند، زنان سرپرست خانوار، زنان و دختران معلول و آسیب دیده جسمی و روحی، زنان و دختران سرپرست خانوار و خود سرپرست، زنان سالخورده و نیازمند، زنان خانه دار، زنان مطلقه و بیوه و مادران باردار و شیرده می‌شوند.

در حال حاضر، بیمه اجتماعی در ایران بر سه رکن کارفرما، مشارکت بیمه شده و کارگاه معین شکل گرفته است؛ بنابراین بیشترین رویکرد آن متوجه شاغلین بخش رسمی (خصوصی و عمومی) است و تحت پوشش قراردادن تمامی افراد جامعه مطابق قانون نیازمند طراحی ساز و کارها و

اجرای قوانین است.

به همین دلیل در این گزارش ابتدا وضعیت زنان فعال اقتصادی و شاغل در دو حوزه رسمی و غیررسمی و سپس پوشش بیمه‌ای آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. مشارکت اقتصادی زنان

یکی از شاخصهای مهم در بررسی خصوصیات نیروی انسانی در هر کشوری میزان مشارکت اقتصادی جمعیت آن کشور است.^۱ نرخ مشارکت اقتصادی کشور از ۳۸/۲ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۳۸/۱ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است و نرخ مشارکت اقتصادی زنان از ۱۱/۷ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۱۲/۹ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است.^۲

نرخ بیکاری از ۱۴ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۱۴/۷ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. بالاترین میزان بیکاری ۱۵ درصد و به سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ مربوط می‌شود.^۳

در بازار کار ایران بین عرضه و تقاضای نیروی کار تعادل وجود ندارد. بیکاری موجود در کشور به طور کامل معلول اوضاع جمعیتی و تحولات دهه‌های اخیر نیست، بلکه بخشی از آن متأثر از وضعیت اقتصادی کشور و ساختار کلی آن بوده و این خود ناشی از عدم تعادل و تطبیق مهارتها و تخصص

۱. شاخص مورد بحث از تقسیم جمعیت فعال بر جمعیت ده‌ساله و بالاتر به دست می‌آید. جمعیت فعال از نظر اقتصادی مشتمل بر جمعیت شاغل و جمعیت بیکار جویای کار بوده و جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی نیز جمعیت محصل، خانه دار، دارای درآمد بدون کار، بازنشسته، و... را در بر می‌گیرد.

۲. بیکاری به میسر نشدن کار در حالی که شخص توان و تقاضای آن را داشته باشد، گفته می‌شود. بیکاری به عنوان یک مسأله دشوار اقتصادی و اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که تعداد زیادی از افراد واقع در سن کار نتوانند برای مدتی معین، شغلی به دست آورند.

۳. (گرچی پور؛ ۱۳۹۰)

شاغلان با نیازها و ضرورت‌های اساسی رشد بخش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور است.

جدول ۱. روند تحولات جمعیت کشور در سال ۱۳۸۰-۱۳۹۰

سال	جمعیت ده سال کشور	نسبت شاغل /فعال (درصد)	جمعیت بیکار (هزار نفر)	جمعیت بیکار به فعال (درصد)	نرخ مشارکت	نرخ بیکاری
۱۳۸۰	۵۱۵۲۸	۸۶	۲/۷۴۸	۱۴	۳۸/۲	۱۴
۱۳۸۵	۵۹۵۲۲	۸۷	۲/۹۹۲	۱۳	۳۹/۴	۱۲/۸
۱۳۹۰	۶۳۳۴۱	۸۵	۳/۵۶۰/	۱۴۷	۳۸/۱	۱۴/۷

ماخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱

جدول ۲. جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر برحسب جنس، وضع فعالیت در سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ (هزار نفر)

سال	شرح	جمعیت فعال از نظر اقتصادی			جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر	جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر
		بیکار (جویای کار) / درصد	شاغل / درصد	جمع		
۱۳۸۵	مرد	۲۱۴۵ ۷/۱	۱۷۶۹۵ ۵۸/۵	۱۹۸۴۰	۳۰۲۴۴	
	زن	۸۴۷ ۲/۹	۲۷۸۲ ۹/۵	۳۶۲۹	۲۹۲۸۸	
۱۳۹۰	مرد	۲۶۹۶ ۸/۵	۷۸۳۵۰۷ ۵۶/۱	۲۰۵۳۲	۳۱۸۰۵	
	زن	۸۶۴ ۲/۷	۲۷۱۲ ۸/۶	۳۵۷۵	۳۱۴۳۶	

ماخذ: سالنامه آماری ۱۳۹۰

۳.۱. اشتغال زنان در بخش‌های رسمی و غیر رسمی

بخش رسمی کالا و خدماتی را تولید می‌کند که ماهیت و تولید آن کالا قانونی و بنگاه‌های فعال در آن بخش، ثبت شده و قابل نظارت توسط دستگاه‌های دولتی هستند. از آنجا که فعالیت‌های دولتی همگی قانونی، ثبت

شده و قابل نظارت هستند در بخش رسمی قرار می‌گیرند.^۱ بخش غیررسمی، ترکیبی از واحدهای فعال در تولید کالا و خدمات است که هدف اولیه آنها ایجاد اشتغال و درآمد است. این واحدها در سطح پائینی از سازماندهی با تقسیم کار محدود بین عوامل تولید (کار و سرمایه) و یا بدون تقسیم کار بین عوامل تولید قرار دارند و در مقیاس کوچک عمل می‌کنند. روابط کار نیز به جای این که بر مبنای اصول قراردادی یا ضمانت‌های رسمی باشد، غالباً مبتنی بر اشتغال موقت، روابط خویشاوندی و شخصی است.

در بررسی زنانی و همکاران در دوره زمانی ۷۶-۸۶ براساس آمارهای اشتغال سر شماری نفوس و مسکن محاسبه شده است که از کل شاغلان کشور ۳۰ درصد در بخش غیررسمی و ۷۰ درصد در بخش رسمی مشغول فعالیت بوده‌اند. همچنین از کل شاغلان زن کشور ۵۱ درصد در بخش غیررسمی و ۴۹ درصد در بخش رسمی حضور دارند. در حالی که این نسبت برای شاغلان مرد به ترتیب در بخش غیررسمی و رسمی، ۲۶ درصد و ۷۴ درصد است. بدین ترتیب میزان مشارکت زنان در دو بخش رسمی و غیررسمی نزدیک به یکدیگر است؛ در حالی که میزان مشارکت مردان در دو بخش رسمی و غیررسمی دارای اختلاف زیادی است؛ به طوریکه سهم شاغلان مرد رسمی تقریباً ۳ برابر سهم شاغلان مرد در بخش غیررسمی است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که احتمال اشتغال زنان در بخش غیررسمی بسیار بیشتر از مردان است. به دیگر سخن، تقریباً از هر دو نفر زن شاغل یک نفر (۵۰ درصد) آنها به بخش غیررسمی می‌رود، در حالی که این نسبت برای مردان ۲۶ درصد است.

۱. بدین ترتیب می‌توان فعالیت‌های موجود در بخش رسمی را به دو دسته فعالیت‌های خصوصی (شامل بنگاه‌های انفرادی، سهامی، شرکتی و تعاونی) و عمومی تقسیم نمود.

جدول ۳. سهم زنان و مردان شاغل در بخش رسمی و غیررسمی (درصد)

بخش	رسمی	غیررسمی	جمع
کل شاغلان	۷۰	۳۰	۱۰۰
مرد	۷۴	۲۶	۱۰۰
زن	۴۹	۵۱	۱۰۰

ماخذ: رنانی؛ محسن؛ گزارش اقتصاد غیر رسمی زنان، ۱۳۹۰

جدول ۴. زنان شاغل ۱۰ ساله و بیشتر کشور در بخش رسمی و غیر رسمی در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۰ (هزار نفر)

سال	زنان شاغل	رسمی خصوصی (اجباری و تعاونی) و عمومی	غیررسمی خصوصی (غیر اجباری)
۱۳۸۰	۱۸۰۵	۷۵۴۶۰۰	۱۰۰۷
۱۳۹۰	۳۱۳۷	۱۶۸۶	۱۴۵۱
۱۳۹۲	۳۱۴۵	۱۷۰۰	۱۴۴۵

ماخذ: مرکز آمار ایران؛ نتایج نیروی کار، ۱۳۸۰، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲

جدول ۵. زنان شاغل ۱۰ ساله و بیشتر مناطق شهری در بخش رسمی و غیر رسمی در سالهای ۱۳۹۰-۱۳۹۰

سال	زنان شاغل ۱۰ ساله	رسمی		غیررسمی خصوصی (غیر اجباری)
		خصوصی (اجباری)	عمومی (تعاونی)	
۱۳۹۰	۱۹۸۱	۶۸۳۱۱۱	۸۰۲۰۱۰	۴۹۵۴۰۹
۱۳۹۲	۲۰۵۱	۷۲۷۶۲۶	۷۷۴۲۲۰	۵۴۸۶۹۴

ماخذ: مرکز آمار ایران؛ نتایج نیروی کار، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲

۳.۲. زنان شاغل در بخش‌های خصوصی و عمومی

یکی از مهم‌ترین اهداف، سیاستها و برنامه‌های کلان کشور گسترش نظام بیمه‌ای و تأمین بیمه همگانی برای همه افراد جامعه است. با عنایت به اینکه مبانی پوشش بیمه‌های اجتماعی وضعیت شغلی افراد است؛ لذا به وضعیت

زنان شاغل در بخش‌های خصوصی و عمومی پرداخته می‌شود.^۱

جدول ۶. جمعیت شاغل کشور در بخش‌های خصوصی و عمومی در سالهای ۹۲-۱۳۹۰ (هزار نفر)

بخش عمومی	بخش خصوصی			جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر	سال
	۱۶/۹۴۶/۲۰۳				
۳.۵۶۳	مزد و حقوق بگير (اجباری)	مزد و حقوق بگير (غیر مزد و حقوق بگير (غیر اجباری))	مزد و حقوق بگير (تعاونی)	۲۰.۵۱۰	۱۳۹۰
	۲۰.۳۴۲	۷.۹۶۸	۸.۹۵۲		
	۱۷.۷۰۳				
۶۴۲.۳	۸.۰۹۸۳	۹.۵۸۵	۲۰.۲۱۵	۲۱.۳۴۶	۱۳۹۲

ماخذ: مرکز آمار ایران؛ نتایج نیروی کار، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲

جدول ۷. جمعیت زنان شاغل کشور در بخش‌های خصوصی و عمومی در سال ۱۳۹۰ (هزار نفر)

بخش عمومی	بخش خصوصی			جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر	سال
	مزد و حقوق بگير (تعاونی)	مزد و حقوق بگير (اجباری)	غیر مزد و حقوق بگير (غیر اجباری)		
۵۲۳	-	۱/۲۷۸/۱۰۰	۱۰۰۷	۱۸۰۱	۱۳۸۰
	۲/۲۸۳/۷۷۳				
۸۵۴۱۴۶	۱۳۱۱	۸۳۱/۰۸۷	۱/۴۵۱/۳۷۳	۳۱۳۷	۱۳۹۰
	۲/۳۱۵/۹۴۵				
۸۲۹۳۴۶	۱۲۵۹	۸۶۹/۴۷۲	۱/۴۴۵/۲۱۴	۳۱۴۵	۱۳۹۲

ماخذ: مرکز آمار ایران؛ نتایج نیروی کار، ۱۳۸۰، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲

بر اساس آخرین آمار در سال ۱۳۹۲ وضعیت زنان و مردان شاغل در بخش‌های خصوصی و عمومی مبتنی بر جداول ۵ و ۶ و ۷ به این گونه است:

۱. گروه غیر مزد و حقوق بگير (کارفرمایان، کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی بدون مزد) مشمول بیمه اختیاری و گروه مزد و حقوق بگير (شامل مزد و حقوق بگيران بخش عمومی و خصوصی) مشمول بیمه اجباری هستند.

۴۶ بیمه‌های اجتماعی زنان

تعداد	پوشش اجباری	پوشش غیر اجباری (اختیاری)
تعداد مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی	۸.۰۹۸	-
تعداد مزد و حقوق بگیر بخش عمومی	۳۶۴۲	-
غیر مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی	-	۹.۵۸۵
تعداد زنان مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی	۸۶۹/۴۷۲	-
تعداد زنان مزد و حقوق بگیر بخش عمومی	۸۲۹۳۴۶	-
زنان غیر مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی	-	۱.۴۴۵
جمع	۱۳.۴۳۸	۱۱.۰۳۰

بدین ترتیب زنان از کل مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی و عمومی به ترتیب ۱۰ درصد و ۲۲ درصد را تشکیل و به طور اجباری تحت پوشش بیمه قرار گرفته‌اند. زنان غیر مزد و حقوق بگیر با ۱۴۴۵ هزار نفر، ۱۵ درصد از کل این گروه را به خود اختصاص داده‌اند که بیمه آنها منوط به تصمیم‌گیری خود آنهاست.

جدول ۸. جمعیت مردان و زنان ۱۰ ساله و بیشتر در گروه‌های عمده شغلی طی سالهای ۱۳۹۲

سال	صنعتگران و کارکنان مشاغل		کارگران ساده		کارکنان ماهر کشاورزی	
	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
۱۳۹۲	۲۰/۱	۱۹/۹	۱۴/۵	۶/۴	۱۴/۵	۱۹/۷

ماخذ: سالنامه آماری، ۱۳۹۲

۳.۳.۱. اشتغال زنان در بخش رسمی مناطق شهری و روستایی

جدول ۹. جمعیت شاغل کشور در مناطق شهری در بخش‌های خصوصی و عمومی در سالهای ۱۳۹۲-۱۳۹۰ (هزار نفر)

بخش عمومی	بخش خصوصی			جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر	سال
۳.۲۰۰	۱۱۱۶۷۷۲			۱.۴۳۶	۱۳۹۰
	مزد و حقوق بگير (اجباری)	مزد و حقوق بگير (غير مزد و حقوق بگير (غير اجباری))	مزد و حقوق بگير تعاونی		
	۵.۹۸۳	۵.۱۶۸	۱۵۲۳۵		
	۱۱۷۵۹۷۹۱				
۳.۲۴۶	۵.۵۸۶	۶.۱۵۸	۱۴۷۰.۸	۱۵.۰۰۵	۱۳۹۲

ماخذ: مرکز آمار ایران؛ نتایج آمارگیری نیروی کار؛ ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲

جدول ۱۰. زنان شاغل در مناطق شهری در بخش‌های خصوصی و عمومی در سالهای ۱۳۹۲-۱۳۹۰

بخش عمومی	بخش خصوصی			جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر	سال
۸۰.۲۰۱۰	۱/۱۷۹/۷۳۹			۱.۹۸۱.۷۴۹	۱۳۹۰
	مزد و حقوق بگير (اجباری)	مزد و حقوق بگير (غير مزد و حقوق بگير (غير اجباری))	مزد و حقوق بگير تعاونی		
	۶۸۳/۱۱۱	۴۹۵/۴۰۹	۱۲۱۷		
	۱/۲۷۷/۱۳۴				
۷۷۴۲۰	۵۴۸/۶۹۴	۷۲۷۶۲۶	۸۱۲	۲۰۵/۳۵۴	۱۳۹۲

ماخذ: مرکز آمار ایران؛ نتایج آمارگیری نیروی کار؛ ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲

جدول ۱۱. جمعیت شاغل کشور در مناطق روستایی در بخش‌های خصوصی و عمومی در سال ۱۳۹۰

بخش عمومی	بخش خصوصی			جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر
	۵.۷۷۸			
۳۶۳۵۶۲	غیر مزد و حقوق بگير (غير اجباری)	مزد و حقوق بگير اجباری	مزد و حقوق بگير تعاونی	۶.۱۴۱.۹۹۱
	۳.۷۸۸	۱.۹۸۵	۵۱۰.۶	

ماخذ: مرکز آمار ایران؛ نتایج آمار گیری نیروی کار، ۱۳۹۰

جدول ۱۲. زنان شاغل در مناطق روستایی در بخش‌های خصوصی و عمومی در سال ۱۳۹۰

بخش عمومی	بخش خصوصی			جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر
	۱.۱۰۴			
۵۲۱۳۶	غیر مزد و حقوق بگير (غير اجباری)	مزد و حقوق بگير اجباری	مزد و حقوق بگير تعاونی	۱.۱۵۶.۱۷۰
	۹۵۵.۹۶۲	۱۴۷.۹۷۶	۹۴	

ماخذ: مرکز آمار ایران؛ نتایج آمار گیری نیروی کار، ۱۳۹۰

۴. وضعیت موجود پوشش بیمه اجتماعی کل کشور

از بین صندوق‌های مختلف بیمه‌های اجتماعی صندوق باز نشستگی کشوری در حوزه دولتی، صندوق تأمین اجتماعی و صندوق روستاییان و عشایر در حوزه عمومی و غیر دولتی مهم‌ترین صندوق‌ها هستند و از بین این سه صندوق نیز سازمان تأمین اجتماعی به دلیل تحت پوشش قرار دادن افراد بسیار در بخش‌های خصوصی و عمومی در حوزه‌های رسمی و غیر رسمی بزرگترین و مهم‌ترین صندوق به شمار می‌آید. به همین دلیل بیشترین توجه این گزارش معطوف به اقدامات سازمان تأمین اجتماعی ضمن ارائه اطلاعات دو صندوق دیگر است.

در حال حاضر انواع بیمه‌ها شامل بیمه اجباری، بیمه خاص (بیمه

گزارش وضعیت زنان ۴۹

اختیاری، حرف و مشاغل آزاد، رانندگان، بافندگان، کارگران ساختمانی و بیمه
 ییکاری) و بیمه توافقی (طلاب و روحانیون، رزمندگان و بسیجیان فعال،
 مداحان، شاعران و باربران) توسط این سازمان ارائه می شود.

جدول ۱۳. وضعیت شاغلین کشور بر اساس وضع بیمه در سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۰

سال	جمعیت شاغل کشور	جمعیت شاغل بر اساس وضعیت شغلی		جمعیت کل بیمه شده		جمعیت کل بیمه نشده		درصد پوشش بیمه	
		مزد و حقوق بگیر	غیر مزد و حقوق بگیر	اجباری	غیر اجباری	اجباری	غیر اجباری	اجباری	غیر اجباری
		۱۳۸۰	۱۶/۹۵۵	۸/۴۹۴	۸/۴۰۹	۷/۷۷۰	۱/۰۰۷	۷۲۳/۶۷۳	۷/۴۰۱
۱۳۹۰	۲۰/۵۴۷	۱۰/۶۱۶	۸/۹۶۳	۱۰/۶۱۵	۳/۸۱۰	۱۰۰۰	۶/۱۲۱	۹۹/۹	۴۳

ماخذ: گرجی پور، ۱۳۹۰

جدول ۱۴. توزیع نسبی برآورد شاغل ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب وضع شغلی به تفکیک جنس در سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۲

سال ۱۳۹۲		سال ۱۳۹۱		وضع شغلی
زن	مرد	زن	مرد	
۱/۲	۴/۳	۱/۰	۴/۲	کارفرما
۲۳/۵	۳۸/۱	۲۰/۸	۳۵/۷	کارکن مستقل
۲۷/۶	۳۹/۷	۲۸/۷	۴۱/۱	مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی
۰	۱/۱	۰	۱/۱	مزد و حقوق بگیر تعاونی
۲۱/۳	۲/۴	۲۴/۴	۳/۴	کارکن فامیلی بدون مزد
۲۶/۴	۱۵/۵	۲۵/۰	۱۵/۴	مزد و حقوق بگیر بخش عمومی

ماخذ: نتایج نیروی کار ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳

بر اساس خلاصه داده‌های ارائه شده در جداول فوق، شاغلان ده ساله و بیشتر کشور حدود ۱۰/۶۲ میلیون نفر مزد و حقوق بگیر و ۸/۹۶ میلیون نفر غیر مزد و حقوق بگیر بوده‌اند. در مقایسه تعداد شاغلین هر گروه و تعداد بیمه شدگان مشخص می گردد که در سال ۱۳۹۰ حدود ۶/۱۲۲ میلیون نفر

۵۰ بیمه‌های اجتماعی زنان

شاغل کشور خارج از پوشش بیمه باز نشستگی بوده‌اند که حدود ۱۰۰۰ نفر آنها مزد و حقوق بگیر مشمول بیمه اجباری و حدود ۶/۱۲ میلیون نفر غیر مزد و حقوق بگیران مشمول بیمه غیر اجباری بوده‌اند.

خلاء پوشش در گروه اول (مزد و حقوق بگیر) به معنی فرار از پوشش بیمه‌ای و ناکارآمدی ساز و کارهای پوشش بیمه‌ای است و در گروه دوم به دلیل مشکلات قوانین و مقررات، بیمه اجتماعی نتوانسته در بازار غیررسمی عملکرد مطلوبی داشته باشد و اکثریت شاغلان این بخش حدود ۶۰ درصد تحت پوشش بیمه اجتماعی نیستند.

در مجموع حدود ۷۰ درصد جمعیت شاغل کشور تحت پوشش انواع بیمه‌ها قرار دارند و نزدیک به ۳۰ درصد تحت پوشش هیچگونه بیمه‌ای نیستند.

جدول ۱۵. روند تحولات پوشش بیمه‌های اجتماعی در صندوق‌های بیمه‌ای کشور ۹۰-۱۳۸۰ (هزار نفر)

سال	جمعیت تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی	جمعیت تحت پوشش سازمان بازنشستگی	جمعیت تحت پوشش سایر صندوقها	کل جمعیت بیمه شده کشور	کل جمعیت کشور	ضریب نفوذ بیمه‌های اجتماعی
۱۳۸۰	۲۲۷۵۹	۶۵۳۳	۳۵۵۳	۳۶۵۹۲	۶۵۳۰۱	۰/۵۶
۱۳۸۵	۲۷۷۷۶	۶۸۲۵	۵۴۷۹	۴۰۰۸۱	۷۰۴۹۵	۰/۵۷
۱۳۹۰	۳۴۹۵۸	۵۲۰۲	۸۴۷۶	۴۸۶۳۷	۷۵۱۴۹	۰/۶۵

ماخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱

بیمه شده‌های اصلی و تبعی سازمان تأمین اجتماعی با متوسط نرخ رشد سالانه ۵/۱ و ۳/۷ درصد به ۱۴ و ۲۴ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. این در حالی است که نرخ رشد سالانه جمعیت کل کشور برابر ۲/۳ درصد بوده است.

گزارش وضعیت زنان ۵۱

جدول ۱۶. روند تحولات جمعیت بیمه شده به تفکیک اصلی و تبعی ۱۳۹۰-۱۳۸۰ (هزار نفر)

سال	صندوق تأمین اجتماعی		صندوق بازنشستگی کشوری		سایر صندوقهای بازنشستگی		جمع صندوقها	جمع صندوقها
	اصلی	تبعی	اصلی	تبعی	اصلی	تبعی	اصلی	تبعی
۱۳۸۰	۶.۳۵۷	۱۷.۸۳۸	۱.۵۷۲	۳.۹۳۳	۸۴۰	۲.۱۲۰	۸.۷۷۸	۲۳.۸۹۰
۱۳۸۵	۷.۵۱۲	۱۷.۰۵۲	۱.۴۱۷	۴۰۲	۱.۲۰۳	۳.۴۸۹	۱۰.۱۳۳	۲۳.۹۴۴
۱۳۹۰	۱۱.۴۹۷	۱۹.۲۶۰	۱.۱۴۷	۱.۹۱۸	۱.۷۸۱	۳.۳۵۶	۱۴.۴۲۵	۲۴.۵۳۴

مأخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱

جمعیت تحت پوشش صندوق تأمین اجتماعی به تفکیک بیمه شده اصلی و تبعی به ترتیب با متوسط رشد ۵/۱ و ۳/۷ بیشترین نرخ رشد را نسبت به سایر صندوقها در ده سال ۱۳۸۰-۱۳۹۰ داشته است. همچنین به طور متوسط در ازاء یک نفر اصلی ۲/۸ نفر تبعی در سال ۱۳۸۰، ۲/۴ نفر تبعی در سال ۱۳۸۵ و ۱/۷ نفر در سال ۱۳۹۰ وجود داشته است. کاهش روند تبعی از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۰ می‌تواند ناشی از کاهش بعد خانوار، افزایش تعداد زنان شاغل و عدم تحت پوشش قرار دادن افراد تبعی (به جز در موارد خاص) باشد.

جدول ۱۷. متوسط رشد بیمه شده‌ها و مستمری بگیران صندوق تأمین اجتماعی طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۵

عنوان	سال	
	۱۳۸۵	۱۳۹۰
بیمه شده اصلی	۷.۵۱۲	۱۱.۴۹۷
بیمه شده اصلی و تبعی	۲۴.۵۶۴	۳۰.۷۵۷
مستمری بگیران (پرونده) [*]	۱.۴۷۳	۱.۷۲۶
مستمری بگیران اصلی و تبعی	۳.۲۱۱	۴.۲۰۰
کل جمعیت تحت پوشش تأمین اجتماعی	۲۷.۷۷۶	۳۴.۹۵۸
متوسط رشد دوره (درصد)		
	۲۶۸۰	۷.۳۵۱
	۲۶۸۰	۳.۸۱۹
	۲۶۸۰	۲.۶۸۰
	۲۶۸۰	۲.۶۸۰
	۲۶۸۰	۲.۶۸۰

مأخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱

۱. مستمری بگیران شامل بازنشسته، ازکارافتاده، بازمانده، فوت شده و... جمعیت کل مستمری بگیران را با پرونده نشان می‌دهند.

جدول ۱۸. تعداد بیمه شدگان اجباری و غیر اجباری صندوق‌های بیمه اجتماعی به تفکیک نوع ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ (هزار نفر)

جمعیت بیمه شده							سال	
سایر صندوق‌های مستقل		صندوق بیمه روستاییان و عشایر		صندوق بازنشستگی کشوری		صندوق تأمین اجتماعی		
غیر اجباری	اجباری	غیر اجباری	اجباری	غیر اجباری	اجباری	غیر اجباری		
ندارد	۸۴۸	-	ندارد	ندارد	۱.۵۷۲	۱.۰۰۷	۵.۳۴۹	۱۳۸۰
	۸۷۹	۳۳۴			۱.۴۱۷	۹۱۲	۶.۵۹۹	۱۳۸۵
	۸۲۳	۹۵۸			۱.۱۴۷	۲.۸۵۲	۸.۶۴۴	۱۳۹۰

ماخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۸۰، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

بیمه شدگان اجباری و غیر اجباری صندوق تأمین اجتماعی نیز با متوسط رشد ۴/۸ و ۲۵/۴ درصد به ۸/۶۴۴ و ۲/۸۵۲ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. صندوق بازنشستگی کشوری و سایر صندوق‌های بیمه‌ای مستقل (نیروهای مسلح، نفت، بانک و...) فقط با پوشش مزد و حقوق بگیر (بیمه شدگان اجباری) با متوسط رشد ۱/۲ و ۳ درصد تا سال ۱۳۹۰ تعداد ۱/۱۴۷/۵۰۰ و ۸۲۳/۰۷۱ نفر را تحت پوشش قرار داده‌اند. صندوق روستاییان و عشایر نیز با تحت پوشش قرار دادن مشاغل غیر مزد و حقوق بگیر روستایی در سال ۱۳۸۵ و یک سال پس از شروع فعالیت صندوق تعداد افراد تحت پوشش خود را به ۹۵۸۳۰۶ نفر بیمه شده در سال ۱۳۹۰ رسانده است.

آمارهای عملکردی جداول نشان می‌دهد که متوسط رشد بیمه شدگان اصلی طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۰، ۷/۴ درصد بوده است. بیمه اجباری و اختیاری تا سال ۱۳۹۰ به ترتیب از متوسط نرخ رشد سالانه ۴/۸ و ۱۸/۴ درصد و بیمه حرف و مشاغل آزاد و بیمه بیکاری از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ به ترتیب ۲۵/۹۵ و ۲۱/۵۶ درصد و برای بیمه رانندگان طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۷۵ برابر ۶/۵ درصد بوده است.

جدول ۱۹. تعداد بیمه شدگان خاص طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۹۰

سال	بیمه اختیاری	حرف و مشاغل آزاد	رانندگان
۷۵	-	۱۵۰۰	۲۶۳۳۷۸
۹۰	۴۶۶۰۰۰	۶۰۵۰۰۰	۷۲۷۱۶۹

مأخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۰

جدول ۲۰. بیمه بیکاری بیکاران قبلا شاغل در بخش‌های اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۰

سال	بیکاران قبلا شاغل (درصد) برخوردار از بیمه	بخش کشاورزی (درصد)	بخش صنعت (درصد)	بخش خدمات (درصد)
۱۳۹۰	۴	۱/۴	۴/۸	۳/۵
۱۳۹۱	۳/۸	۲/۴	۴/۲	۳/۷
۱۳۹۲	۳/۵	۱/۳	۵/۳	۲/۲

مأخذ: گزارش مرکز آمار، ۱۳۹۳

در سال ۱۳۹۰ دریافت کنندگان بیمه بیکاری ۱۷۴۶۴۴ بوده‌اند معادل ۴ درصد آنان از بیمه بیکاری استفاده می‌کرده‌اند ۹۶ درصد بیکاران قبلا شاغل از بیمه بیکاری استفاده نمی‌کرده‌اند که ۹۸/۶ درصد آن در بخش کشاورزی، ۹۵/۲ درصد در بخش صنعت و ۹۶/۵ درصد در بخش خدمات بوده است.

در سال ۱۳۹۱ از بیکاران قبلا شاغل، تنها ۳/۸ درصد مشمول بیمه بیکاری بوده‌اند و ۹۶/۲ درصد از بیمه بیکاری استفاده نکرده‌اند که ۹۷/۶ درصد آن‌ها در بخش کشاورزی، ۹۵/۸ درصد در بخش صنعت و ۹۶/۳ درصد در بخش خدمات بوده است.

در سال ۱۳۹۲ از بیکاران قبلا شاغل، تنها ۳/۵ درصد مشمول بیمه بیکاری بوده‌اند و ۹۶/۵ درصد از بیمه بیکاری استفاده نکرده‌اند که ۹۸/۷ درصد آن در بخش کشاورزی، ۹۴/۷ درصد در بخش صنعت و ۹۷/۸ درصد در بخش خدمات بوده است.

۴.۱. شاخص ضریب نفوذ در حوزه بیمه‌های اجتماعی

متغیرها و نسبت‌های بیمه‌ای در گذر زمان از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد. بخشی از این عوامل درون سیستمی و بخش دیگر برون سیستمی است. منظور از عوامل درونی، اجزاء و مؤلفه‌های متعلق به سیستم است که در عملکرد و کارایی یا عدم کارایی آن تأثیر مستقیم دارند. عوامل بیرونی، عوامل محیطی سیستم هستند که عملکرد آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. شیوه مدیریت و اداره صندوق‌ها، سرمایه‌گذاری و کسب درآمد از اندوخته‌ها، قوانین مقررات داخلی و... از مجموعه عوامل درونی تأثیر گذار هستند؛ هرچند که بعضی از این عوامل، خود از عوامل بیرونی دیگر تأثیر می‌پذیرند. از جمله عوامل بیرونی که ارتباط نزدیکی با نظام بیمه‌ای دارد می‌توان به وضعیت اقتصادی، جمعیتی، اشتغال و بیکاری، میزان درآمد شاغلین، سطح زندگی، سیاست‌های دولت و عوامل فرهنگی و اجتماعی اشاره نمود. با توجه به اینکه درآمد (منابع) صندوق‌های بیمه‌ای به متغیرهای جمعیتی به خصوص جمعیت شاغل بسیار حساس است و میزان اشتغال و نرخ بیکاری به سیاست‌های دولت و در نهایت به عملکرد اقتصادی بستگی دارد، می‌توان گفت متغیرهای بیمه‌ای متغیرهای وضعیت هستند و نه کنترل، این به این معناست که تغییرات متغیرهای بیرونی است که وضعیت متغیرهای بیمه‌ای را تعیین میکند. از این رو عملکرد و نحوه تغییرات متغیرهای بیرونی در میزان پایداری و حیات این سیستم بسیار تأثیرگذار هستند.

بررسی وضعیت نظام بیمه‌ای اجتماعی مستلزم دسترسی به اطلاعات کارکردی برای پیش بینی و برنامه‌ریزی است، بنابراین تدوین شاخص‌های مناسب برای نمایش دادن تحولات متغیرهای کلیدی ضروری است. در واقع دسترسی به شاخص‌های نظارتی برای آگاهی از روند تغییرات میزان

برخورداری اعضای جامعه از تأمین اجتماعی و ارزیابی میزان انطباق آنها با سیاست‌های کلی از طرفی و پیش بینی وقایع و بحران‌های متحمل از سوی دیگر، یک ضرورت برای تصمیم سازان و تصمیم گیران است. شاخص ضریب نفوذ بیمه‌های اجتماعی یکی از معیارهای مناسب برای بررسی و تحلیل وضعیت موجود درخصوص پوشش جمعیت است. آمارهای ضریب نفوذ بیمه اجتماعی نشانگر تحولات و نوساناتی طی دوران تحت ارزیابی است. بر اساس اطلاعات موجود، این ضریب از ۵۶ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۶۵ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است.

و این در حالی است که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های کلان کشور گسترش نظام بیمه‌ای و تأمین سطح بیمه همگانی برای همه افراد جامعه است و مطابق نظام تأمین اجتماعی نهادها و سازمانهای متعدد و متنوعی در این حوزه مسئولیت دارند.

جدول ۲۱. ضریب نفوذ بیمه اجتماعی کل کشور

ضریب نفوذ بیمه‌های اجتماعی کشور	کل جمعیت تحت پوشش بیمه اجتماعی کشور	جمعیت کل کشور
۰.۶۵	۴۸,۶۳۷,۶۷۳	۷۵,۱۴۹,۶۶۹

ماخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۰

همانطور که مشخص است ضریب نفوذ بیمه‌های اجتماعی در ایران ۶۵ درصد بوده و این بدان معنی است که ۶۵ درصد جمعیت کل کشور تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار دارند بدین ترتیب ۳۵ درصد جمعیت کشور تحت پوشش هیچگونه بیمه‌ای نیستند.

جدول ۲۲. ضریب نفوذ بیمه اجتماعی سازمان تامین اجتماعی در جمعیت کل کشور

جمعیت کل کشور	جمعیت تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی (اصلی و تبعی)	ضریب نفوذ
۷۵.۱۴۹.۶۶۹	۳۴.۹۵۸.۰۵۲	٪ ۴۶

ماخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱

ضریب نفوذ بیمه در صندوق تامین اجتماعی ۴۶ درصد بوده و این بدان معنی است که ۴۶ درصد جمعیت کل کشور تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی صندوق فوق قراردادارند.

جدول ۲۳. ضریب نفوذ بیمه صندوق بازنشستگی کشوری

جمعیت کل کشور	جمعیت تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری (اصلی و تبعی)	ضریب نفوذ
۷۵.۱۴۹.۶۶۹	۵.۲۰۲.۷۴۲	۰.۰۶۹

ماخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۰

ضریب نفوذ بیمه در صندوق بازنشستگی کشوری ۰/۶۹ درصد بوده و این بدان معنی است که ۶/۹ درصد جمعیت کل کشور تحت پوشش صندوق فوق قراردادارند.

به طور کلی در ایران به غیر از ۴ صندوق بیمه گر اصلی ۱۶ صندوق مستقل بیمه‌ای دیگر نیز وجود دارد که هر کدام از آنها برابر ضوابط و مقررات خاص خود خدمات و تعهدات کوتاه مدت و بلند مدت را به مشمولین خود که کارکنان همان صندوقها می‌باشند، ارائه می‌دهند. عناوین این صندوقها به شرح ذیل می‌باشند:

- بانک مرکزی - کارکنان بانکها - صدا و سیما - بنادر و کشتیرانی ایران
- هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) - بیمه ایران - کارکنان وزارت
- جهاد - کارکنان فولاد - بیمه مرکزی ایران - شهرداری تهران - شرکت نفت

- شرکت مخابرات - صنایع مس ایران.

جدول ۲۴. ضریب نفوذ بیمه صندوق‌های اختصاصی

ضریب نفوذ	جمعیت تحت سایر صندوق‌های اختصاصی (اصلی و تبعی)	جمعیت کل کشور
۰/۰۱۳	۱/۰۴۹/۰۰۷	۷۵.۱۴۹۶۶۹

ماخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۰

ضریب نفوذ بیمه در صندوق‌های اختصاصی ۰/۰۱۳ درصد بوده است؛ بدین معنی که ۱/۳ درصد جمعیت کل کشور تحت پوشش صندوق‌های فوق قرار دارند.

جدول ۲۵. روند ضریب نفوذ بیمه اجتماعی کشور طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۰

متوسط رشد دوره (درصد)	سال			عنوان
	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۸۰	
۱/۱	۷۵.۱۴۹۶۶۹	۷۰.۴۹۵۷۹۲	۶۵.۳۰۱.۰۰۰	جمعیت کل کشور
۱	۶۳۲۴۱.۰۰۰	۵۹۵۲۲۷۴۷	۵۱.۵۲۸.۰۰۰	جمعیت بالای ۱۰ سال
-	۲۴.۱۰۷.۰۰۰	۲۳.۴۶۸۶۴۱	۱۹.۷۰۳.۰۰۰	جمعیت فعال
۰/۱	۲۰.۵۴۷۰۰۰۰	۲۰.۴۷۶۳۴۳	۱۶.۹۵۵.۰۶۸	تعداد افراد شاغل کشور
۶/۱	۱۴۴۲۵۹۶۶	۱۰.۱۳۳۰۷۱	-	تعداد شاغلین بیمه شده (تعداد افراد بیمه شده اصلی)
۶/۱	۰/۷	۰/۵	-	ضریب پوشش بیمه اجتماعی شاغلین
۵/۷	۰/۶	۰/۴	-	ضریب پوشش بیمه اجتماعی جمعیت فعال
۳/۳	۴۸.۶۳۷.۶۷۴	۴۰.۰۸۱.۴۶۸	۳۶.۵۹۲.۰۰۰	کل جمعیت بیمه شده کشور
۲/۲	۰/۶۵	۰/۵۷	۵۶ درصد	ضریب نفوذ بیمه اجتماعی (نسبت جمعیت بیمه شده به جمعیت کل کشور)

ماخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۰

جمعیت کشور در طی یک دهه (۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰) حدود ده میلیون نفر

افزایش یافته و متوسط نرخ رشد آمارهای جمعیت کل کشور ۱/۱ درصد است. آمارهای ضریب نفوذ بیمه اجتماعی برای شاغلین نشانگر تحولات این بخش طی این دوران است. این ضریب از ۴۹ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۷۰ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است.

۵. وضعیت موجود پوشش بیمه اجتماعی زنان

وضعیت بیمه‌های اجتماعی در کشور متأثر از وضعیت اشتغال است. بدین ترتیب اگر چه بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۹۰، نزدیک به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر زن شاغل در بخش رسمی کشور گزارش شده است، اما باید دید چه تعداد از آنها در فرایند بیمه اجتماعی قرار گرفته اند؟

جدول ۲۶. وضعیت موجود پوشش بیمه‌ای زنان طی سالهای ۱۳۹۳ - ۱۳۸۰

سال	جمعیت تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی	جمعیت کل تحت پوشش سازمان بازنشستگی ^۱	جمعیت کل تحت پوشش سایر صندوق‌ها ^۲	کل جمعیت بیمه شده
۱۳۸۰	۵۰۶.۳۶۳	۲۴.۲۲۱	۳.۵۵۳	۳۶.۵۹۲
۱۳۹۰	۱.۸۹۰.۸۰۹	۷.۹۰۱	۸.۴۷۶	۴۸.۶۳۷
۱۳۹۱	۲.۱۲۱.۸۱۰	۱۴.۲۸۱	-	-
۱۳۹۲	۲.۴۱۸.۸۷۸	۱۳.۷۳۹	-	-
۱۳۹۳	۲.۴۵۴.۹۱۸	۱۵.۸۴۵	-	-

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۳

۱. جمعیت تحت پوشش سازمان بازنشستگی شامل زنان (بازنشسته، از کار افتاده، شاغل فوت شده و بازنشسته فوت شده) است. متأسفانه این سازمان آمار دقیقی از تعداد پرداخت کنندگان حق بیمه بازنشستگی (شاغلان زنده) ندارد. این مهم مطابق مکاتبه انجام شده با سازمان درخواست و خوشبختانه در دستور کار قرار گرفته است.

۲. جمعیت تحت پوشش سایر صندوق‌ها از ۳.۵ میلیون در سال ۸۰ به ۸.۵ میلیون به سال ۹۰ افزایش یافته است، اما جمعیت آنها به تفکیک جنسیت نامشخص است به همین دلیل جمعیت زنان تحت پوشش طی مکاتبه درخواست و تعدادی از آنها پاسخ داده‌اند. به همین دلیل جمعیت کل تحت پوشش اعلام شده است.

۵.۱. روند پوشش زنان از انواع بیمه‌های تأمین اجتماعی

□ در کشورهای مختلف بین ۶۰ تا ۹۰ درصد شاغلین پاره وقت را زنان تشکیل می‌دهند و همچنین زنان دو برابر بیشتر از مردان در گروه شاغلین غیر مزد و حقوق بگیر قرار دارند، لذا احتمال شمول بیمه اجتماعی زنان کمتر از مردان است. این موضوع با توجه به اشتغال محور بودن بیمه اجتماعی از این حیث مهم است که زنان به علت شرایط نابرابر کار، مهارت پایین‌تر و مهم‌تر از همه عدم سازگاری بازار کار رسمی با شرایط و مسئولیت‌های خانوادگی که عمدتاً بر عهده زنان است بیش از مردان از بازار رسمی محروم شده و به فعالیت در اقتصاد غیر رسمی و غیر متعارف روی آورده‌اند. (نیکوپورحسام، وزارت کار، ۹۳)

□ سهم زنان از بیمه شدگان اصلی سازمان تأمین اجتماعی از ۶/۲ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۴ درصد در سال ۱۳۸۷، ۴/۱۶ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۱۹ درصد در سال ۱۳۹۲ درصد افزایش یافته است. در حالی که این سهم برای مردان از ۹۳/۸ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۸۶ درصد در سال ۱۳۸۷، ۸۳/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۸۱ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است.

□ جمعیت زنان بیمه شده اجباری کمتر از مردان بوده و از سال ۱۳۸۵ به بعد روند صعودی را طی کرده است. درصد زنان بیمه شده اجباری در سال ۱۳۸۷، ۱۴ درصد (در مقابل ۸۶ درصد مردان) به ۱۸ درصد (در مقابل ۸۲ درصد مردان) در سال ۱۳۹۲ افزایش داشته است.^۱

□ در سال ۱۳۹۲، ۹۱ درصد از شاغلین اجباری (مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی و عمومی) تحت پوشش قرار گرفته و ۹ درصد تحت

۱. از سال ۱۳۸۵ سازمان تأمین اجتماعی، بیمه شدگان دولتی و غیر دولتی را با عنوان بیمه شده اجباری نامید. در واقع افرادی که کار فرما داشته و تابع قانون کار و تأمین اجتماعی باشند. (آمار تفکیکی دولتی و غیر دولتی در دست پیگیری است).

۶۰ بیمه‌های اجتماعی زنان

پوشش قرار نگرفته‌اند.

□ همچنین از مجموع شاغلین غیر اجباری (اختیاری) در سال ۱۳۹۲، ۵۷ درصد تحت پوشش بیمه قرار گرفته‌اند و ۴۳ درصد هنوز تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار نگرفته‌اند.

□ زنان مشمول بیمه خاص از ۱۳ درصد در مقابل ۸۷ درصد مرد در سال ۱۳۸۷ به ۲۳ درصد در مقابل ۷۷ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است. از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲، به دلیل تسهیل در مقررات، سهم زنان در بیمه حرف و مشاغل آزاد از حدود ۹ درصد به حدود ۴۶ درصد رسیده است. این در حالی است که سهم مردان از حدود ۹۲ درصد به حدود ۵۵ درصد رسیده است.

□ مروری بر گروه‌های سنی شاغلین تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی نشان می‌دهد که در گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۴ سال بیشترین زنان و مردان قرار گرفته‌اند. مردان جوان‌تر از زنان وارد بازار کار و برخوردار از پوشش‌های بیمه‌ای می‌شوند.

□ زنان به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی به کار پاره وقت و موقت مشغول می‌شوند مطابق اطلاعات سازمان تأمین اجتماعی، زنان و مردان تا سن ۲۹ سالگی میانگین سوابق یکسانی دارند، اما پس از آن و به واسطه ازدواج، نگهداری از فرزند و غیره مسیر شغلی متفاوتی را نسبت به مردان طی می‌نمایند و میانگین سوابق آنها کاهش می‌یابد و به عبارتی مسیر ارتقاء شغلی زنان به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی مشابه مردان نمی‌باشد. بنابراین ضرورت دارد که نظام بیمه اجتماعی انعطاف بیشتری با توجه به ویژگی‌های زنان از جمله اشتغال بیشتر آنها در کارهای پاره وقت و موقت و همچنین رسیدگی به وظایف خانوادگی آنها، داشته باشد.

۵.۲. مهم‌ترین شاخص‌های بررسی وضعیت پوشش بیمه‌ای زنان در ایران
ضریب نفوذ بیمه‌ای (اجباری)

نسبت بیمه شدگان اجباری / جمعیت شاغل مزد و حقوق بگیر

ضریب نفوذ بیمه‌ای (غیر اجباری)

نسبت بیمه شدگان غیر اجباری / جمعیت شاغل غیر مزد و حقوق بگیر

ضریب پوشش بیمه اجتماعی جمعیت فعال

جمعیت فعال بیمه شده / کل جمعیت فعال

ضریب پوشش بیمه اجتماعی جمعیت فعال

جمعیت فعال بیمه شده / کل جمعیت فعال

ضریب پوشش بیمه اجتماعی شاغلین زن

تعداد شاغلین بیمه شده زن / تعداد شاغلین زن کشور

ضریب نفوذ بیمه اجتماعی

نسبت جمعیت بیمه شده / جمعیت کل کشور

به منظور بررسی وضعیت مطابق شاخص‌های اعلام شده ابتدا جمعیت بیمه شده توسط صندوق‌ها اعلام می‌گردد.

جدول ۲۷. جمعیت بیمه شده زن در سازمان تأمین اجتماعی طی سالهای ۱۳۹۳ - ۱۳۸۰

۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۰	نوع بیمه			
۲.۴۵۴.۹۱۸	۲.۴۱۸.۱۷۸	۲.۱۲۱.۸۱۰	۱.۸۹۰.۸۰۹	۵۰۶.۳۶۳	بیمه شده اصلی (جمع اجباری / غیراجباری و بیکاری)			
۱.۵۹۱.۰۱۰	۱.۵۵۵.۷۱۰	۱.۳۸۲.۴۴۲	۱.۳۱۹.۴۲۳	۴۷۲.۳۶۳	بیمه شده اجباری			
۶۳.۹۸۷	۴۸.۴۶۰	۳۸.۳۶۳	۳۹.۲۴۹	۸.۰۰۰	زن خانه دار	حرف و مشاغل آزاد	خاص	بیمه شده بیکاری (بازنشستگی و بازنشستگی)
۱۵۶.۶۵۰	۱۶۰.۴۲۱	۱۵۱.۱۴۳	۱۰۴.۲۷۴		زن سرپرست خانوار			
۱۴۵.۵۷۶	۱۴۴.۰۳۹	۱۳۷.۵۰۲	۸۷.۱۷۸		سایر			
۳۶.۵۱۵	۳۳.۵۰۰	۳۲.۱۸۱	۲۶.۲۰۴	۱۹.۰۰۰	اختیاری			
۴۰۰.۴۵۳	۴۲۲.۲۰۳	۳۴۳.۴۴۷	۲۶۸.۴۹۹	۰	بافندگان			
۳.۳۹۸	۳.۳۳۸	۲.۳۱۱	۱۶۵۷	۰	رانندگان			
۱۰.۱۴	۱۵۷	۹۰	۴۴	۰	سایر			
۱۵.۳۹۲	۱۳.۶۳۰	۵.۵۶۶	۸۹۲۶	۰	توافقی			
۸۲۲.۹۸۵	۸۲۵.۷۴۸	۷۰۰.۶۰۳	۵۳۶.۰۳۱	۲۷.۰۰۰	جمع بیمه شده غیراجباری			
۴۰.۹۲۳	۳۷.۴۲۰	۳۸.۷۶۵	۳۵.۳۵۵	۷.۰۰۰	بیمه بیکاری			

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۳-۱۳۸۰

۱. جمعیت غیراجباری تنها توسط دو صندوق تأمین اجتماعی و صندوق روستائیان و عشایر تحت پوشش قرار می‌گیرد و صندوق بازنشستگی و سایر صندوق‌ها از این قضایه مستثنی هستند.

۵.۲.۱. ضریب پوشش بیمه‌ای جمعیت فعال بیمه شده زن

جدول ۲۸. ضریب پوشش بیمه‌ای جمعیت فعال بیمه شده زن^۱ در سازمان تأمین اجتماعی طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳

سال	جمعیت زنان فعال	زنان فعال بیمه شده ^۲	ضریب پوشش بیمه اجتماعی زنان فعال
۱۳۸۰	۲.۲۲۵.۷	۵۰۶۳۶۳	۰/۲۲
۱۳۹۰	۳۹۶۸۹۱۶	۱.۸۹۰.۸۰۹	۰/۴۷
۱۳۹۱	۴۲۹۱۰۲۸	۲.۱۲۱.۸۱۰	۰/۴۹
۱۳۹۲	۳.۹۲۰.۱۱۳	۲.۴۱۸.۸۷۸	۰/۶۱
۱۳۹۳	۳.۸۰۱.۲۸۰	۲.۴۵۴.۹۱۸	۰/۶۴

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۳

۵.۲.۲. ضریب پوشش بیمه‌ای اجتماعی شاغلین زن

جدول ۲۹. ضریب پوشش بیمه‌ای اجتماعی شاغلین زن^۳ در سازمان تأمین اجتماعی طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳

سال	تعداد شاغلین زن	تعداد شاغلین بیمه شده	ضریب پوشش بیمه اجتماعی شاغلین زن
۱۳۸۰	۱.۸۰۵.۱	۴۹۹۳۶۳	۰/۲۷
۱۳۹۰	۳.۱۳۷.۹۱۹	۱.۸۵۵.۴۵۴	۰/۵۹
۱۳۹۱	۳۴۴۷۱۲۰	۲۰۸۳۰۴۵	۰/۶۰
۱۳۹۲	۳۱۴۵۲۹۳	۲.۳۸۱.۴۵۸	۰/۷۵
۱۳۹۳	—	۲.۴۱۳.۹۹۵	—

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۳

۱. جمعیت فعال شامل شاغل (اجباری+اختیاری) و بیکاران است
۲. جمعیت فعال بیمه شده شامل بیمه شده اصلی (اجباری، اختیاری و بیکاران) است.
۳. شاغل بیمه شده شامل بیمه شده اجباری و اختیاری است

۵.۲.۳. ضریب نفوذ بیمه اجباری و غیر اجباری

جدول ۳۰. جمعیت بیمه شده زن به تفکیک اجباری و غیر اجباری طی سالهای ۱۳۹۲ - ۱۳۸۰

جمعیت بیمه شده								سال
سایر صندوقهای مستقل		صندوق بیمه روستاییان و عشایر ^۲		صندوق بازنشستگی کشوری ^۱		صندوق تأمین اجتماعی		
اجباری	غیر اجباری	اجباری	غیر اجباری	اجباری	غیر اجباری	اجباری	غیر اجباری	
ندارد	-	ندارد	ندارد	ندارد	۲۴.۲۲۱	۲۷.۰۰۰	۴۷۲۳۶۳	۱۳۸۰
ندارد	-	ندارد	ندارد	ندارد	۷.۹۰۱	۵۳۶.۰۳۱	۱۳۱۹۴۲۳	۱۳۹۰
ندارد	-	ندارد	ندارد	ندارد	۱۴.۲۸۱	۷۰۰.۶۰۳	۱۳۸۲۴۴۲	۱۳۹۱
ندارد	-	ندارد	ندارد	ندارد	۱۳.۷۳۹	۸۲۵.۷۴۸	۱۵۵۵۷۱۰	۱۳۹۲
ندارد	-	ندارد	ندارد	ندارد	۱۵.۸۴۱	۸۲۲.۹۸۵	۱۵۹۱۰۱۰	۱۳۹۳

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۳

جدول ۳۱. ضریب نفوذ بیمه اجباری زنان در سازمان تأمین اجتماعی طی سالهای ۱۳۹۳ - ۱۳۸۰

ضریب نفوذ بیمه اجباری	بیمه شدگان اجباری	جمعیت شاغل اجباری (مزد حقوق بگیر عمومی + خصوصی)	سال
۰/۵۹	۴۷۲.۳۶۳	۷۹۴/۶	۱۳۸۰
۰/۷۹	۱.۳۱۹.۴۲۳	۱.۶۸۶.۵۴۴	۱۳۹۰
۰/۷۴	۱.۳۸۲.۴۲۲	۱.۸۵۴.۴۸۹	۱۳۹۱
۰/۹۱	۱.۵۵۵.۷۱۰	۱.۷۰۰.۰۷۷	۱۳۹۲
-	۱.۵۹۱.۰۱۰	-	۱۳۹۳

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۳؛ سالنامه آماری ۱۳۹۱

۱. اعلام مندرج در بخش اجباری شامل بازنشسته، از کارافتاده، شاغلان فوت شده و بازنشستگان فوت شده است و فاقد شاغلان پرداخت کننده حق بازنشستگی است. عدد اعلام شده تنها شامل بخشی از اجباری است چراکه سازمان مذکور امار دقیقی از شاغلان پرداخت کننده حق بازنشستگی ندارد اما متعاقب پیگیری‌های معاونت در دستور کار قرار گرفته است.

۲. اعداد این ستون در دست پیگیری است

۳. ضریب نفوذ بیمه اجباری: نسبت بیمه شدگان اجباری / جمعیت شاغل مزد و حقوق بگیر

گزارش وضعیت زنان ۶۵

جدول ۳۲. ضریب نفوذ بیمه غیر اجباری در سازمان تأمین اجتماعی زنان طی سالهای ۱۳۸۰ - ۱۳۹۲^۱

سال	جمعیت غیر مزد و حقوق بگیر	بیمه شدگان غیر اجباری	ضریب نفوذ بیمه غیر اجباری
۱۳۸۰	۱۰.۰۷۴	۲۷.۰۰۰	۰/۰۲
۱۳۹۰	۱.۴۵۱.۳۷۳	۵۳۶.۰۳۱	۰/۳۶
۱۳۹۱	۱۵۹۲۶۲۹	۷۰۰.۶۰۳	۰/۴۳
۱۳۹۲	۱.۴۴۵.۲۱۴	۸۲۵.۷۴۸	۰/۵۷
۱۳۹۳	-	۸۲۲.۹۸۵	-

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۳

۵.۲.۴ پوشش بیمه بیکاری

جدول ۳۳. تعداد بیکاران زن قبلاً شاغل و دریافت کنندگان بیمه بیکاری طی سالهای ۱۳۸۰ - ۱۳۹۲

سال	تعداد بیکاران زن (قبلاً شاغل)	تعداد دریافت کنندگان بیمه بیکاری
۱۳۸۰	۴۲۰.۵	۷۰۰۰
۱۳۹۰	۱۷۲۲۱۸	۳۵.۳۵۵
۱۳۹۱	۱۷۹۴۸۲	۳۸.۷۶۵
۱۳۹۲	۱۱۹۲۷۲	۳۷.۴۲۰
۱۳۹۳	۷۶۹.۹۰۷	۴۰.۹۲۳

مأخذ: نتایج نیروی کار / وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۳

۱. ضریب نفوذ بیمه غیر اجباری: نسبت بیمه شدگان اجباری / جمعیت شاغل ضریب نفوذ بیمه‌ای غیر اجباری

جدول ۳۴. روند ضریب نفوذ بیمه اجتماعی زنان سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۲

عنوان	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
جمعیت زنان کشور	۳۷۲۴۴۰۰۰	۳۷۲۸۹۷۸۹	۳۷۷۴۹۲۹۷
جمعیت فعال	۳۰۹۶۸۰۹۱۶	۴۰۲۹۱۰۰۲۸	۳۰۹۳۰۱۱۱۳
جمعیت فعال بیمه شده	۱۰۸۹۱۰۰۰۰	۲/۱۳۱/۸۱۰	۲/۴۱۸/۸۷۸
ضریب پوشش بیمه اجتماعی جمعیت فعال	۰/۴۷	۰/۷۲	۰/۵۴
جمعیت غیر فعال	۲۷۰۴۹۱۰۰۴۳	۲۷۰۹۷۰۲۳	۲۷۸۰۲۱۳۵
جمعیت غیر فعال بیمه شده ^۱	۱۴۳۵۲۳	۱۸۹۵۰۶	۲۰۸۸۸۱
ضریب پوشش بیمه‌ای جمعیت غیر فعال	۰/۰۰۵	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷
شاغلین	۳/۱۳۷/۹۱۹	۳۴۴۷۱۲۰	۳۰۱۴۵۰۲۹۳
شاغلین بیمه شده	۱۰۸۵۵۰۴۵۴	۲۰۸۳۰۴۵	۲۰۳۸۱۰۴۵۸
ضریب پوشش بیمه اجتماعی شاغلین زن	۰/۵۹	۰/۶۰	۰/۷۵
ضریب نفوذ بیمه اجباری	۰/۷۸	۰/۷۴	۰/۹۱
ضریب نفوذ بیمه غیر اجباری	۰/۳۶	۰/۴۳	۰/۵۷
بیکاران (قبلاً شاغل)	۱۷۲۰۲۱۸	۱۷۹۴۸۲	۱۱۹۲۷۲
بیکاران دریافت کننده بیمه بیکاری	۳۵۰۳۵۵	۳۸۷۶۵	۳۷۴۲۰
ضریب پوشش بیمه بیکاری	۰/۲۰	۰/۲۱	۰/۳۱

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۳

بر اساس محاسبات انجام شده در سال ۱۳۹۲، از کل زنان در گروه‌های شغلی مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی و عمومی (۹۱ درصد تحت پوشش بیمه هستند و ۹ درصد تحت پوشش قرار نگرفته‌اند).

همچنین از مجموع زنان شاغل در فعالیت‌هایی که پوشش بیمه برای آن‌ها اختیاری است، ۵۷ درصد در سال ۱۳۹۲ تحت پوشش بیمه قرار گرفته‌اند و ۴۳ درصد هنوز تحت پوشش بیمه اجتماعی نیستند.

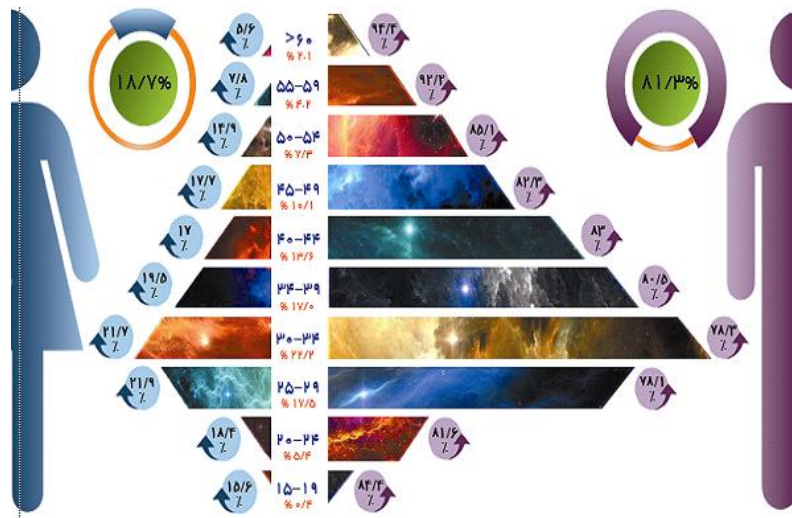
۱. جمعیت غیر فعال بیمه شده توسط سازمان تأمین اجتماعی شامل امار زنان خانه دار و زنان سرپرست خانوار شهری است. زنان سرپرست خانوار روستایی و عشایر در بخش اقتصاد غیر رسمی و توسط صندوق روستاییان و عشایر اعلام می‌شود. همچنین از مجموع کل زنان خانه دار عده‌ای تبعه همسر، تعدادی زن سرپرست خانوار و تعدادی روستایی هستند که ضریب پوشش باید برای این تعداد محاسبه شود.

۵.۳. وضعیت سنی زنان بیمه شده سازمان تأمین اجتماعی

به طور کلی سهم زنان مشمول بیمه اجباری تأمین اجتماعی که در سال ۱۳۸۷، ۱۴ درصد بوده است به ۱۸/۷ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش پیدا کرده است. این سهم در مردان از ۸۶ درصد به ۸۱/۴ درصد کاهش پیدا کرده است؛ ضمن آنکه ۲۱/۷ درصد در میانگین ۳۰-۳۴ سال هستند.

مروری بر گروههای سنی زنان شاغل تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی نشان می‌دهد که در گروههای سنی ۳۰ تا ۳۴ سال بیشترین زنان و مردان قرار گرفته‌اند. مردان جوان‌تر از زنان وارد بازار کار و برخوردار از پوشش‌های بیمه‌ای می‌شوند.

نمودار ۱: هرم سنی بیمه شده اصلی فعال سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۲

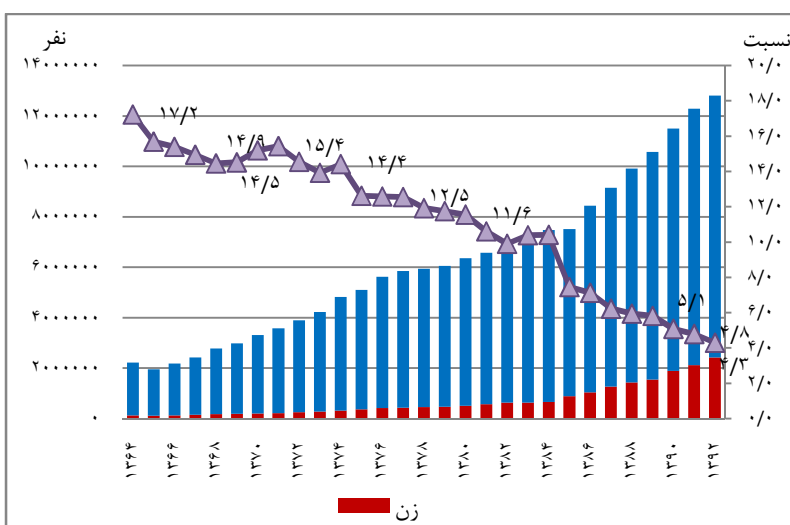


۵.۴. نسبت جنسی بیمه شدگان

در سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۶۴ در مقابل هر ۱۷ مرد یک زن بیمه شده وجود داشته است که این نسبت در سال ۱۳۹۲ تغییر یافته به نحوی که در مقابل هر ۴/۳ مرد یک زن بیمه شده وجود دارد.

در سه دهه اخیر نرخ مشارکت زنان در بازار کار رسمی و به تبع آن نرخ رشد تعداد بیمه شدگان زن افزایش یافته است، به طوری که نرخ رشد بیمه شدگان زن در ۵ سال اخیر برابر ۱۵/۵ درصد و بیمه شدگان مرد برابر ۴/۴ درصد بوده است. این امر موجب شده است که نسبت جنسی کاهش یافته و از ۱۷/۲ در سال ۶۴ به ۴/۴ در سال ۱۳۹۲ کاهش یابد.*۱

نمودار ۲. نسبت جنسی بیمه شدگان اصلی سازمان تأمین اجتماعی در سالهای ۱۳۶۴ - ۱۳۹۲



۱. نیکوپور، حسام، ۱۳۹۳، وزارت تعاون، کار و تأمین اجتماعی

۶. وضعیت موجود جمعیت تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشور

صندوق بازنشستگی از صندوق‌های مهم حوزه دولتی است و بخشی از جمعیت شاغل و باز نشسته را تحت پوشش خود دارد. منابع این صندوق از دو بخش مجرا تأمین می‌شود، حق بیمه‌ها و سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها. میزان حق بیمه اعضای این صندوق برابر با ۲۲/۵ درصد حقوق دریافتی آنان است و از آنجا که کارفرمایان اعضای نهادهای دولتی هستند، تمامی آن را دولت پرداخت می‌کند. مشمولان این صندوق عبارت‌اند: از مستخدمین رسمی قانون مدیریت خدمات کشوری، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، قضات مشمول مقررات استخدامی قضات، مستخدمین ثابت شهرداری‌ها (بجز شهرداری تهران) و مستخدمین پیمانی دستگاه‌ها که متقاضی عضویت در این صندوق هستند.

تا پایان سال ۱۳۷۹، تعداد زنان باز نشسته، از کار افتاده و... کمی بیش از ۱۰۰ هزار نفر و تا پایان سال ۱۳۹۳ به ۳۷۸۰۰۰ نفر رسیده است. با افزایش تقریباً چهار برابری تعداد زنان تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری در طی ده سال، سهم آنان از حدود ۲۰ درصد به ۳۰ درصد افزایش یافته است.

۷۰ بیمه‌های اجتماعی زنان

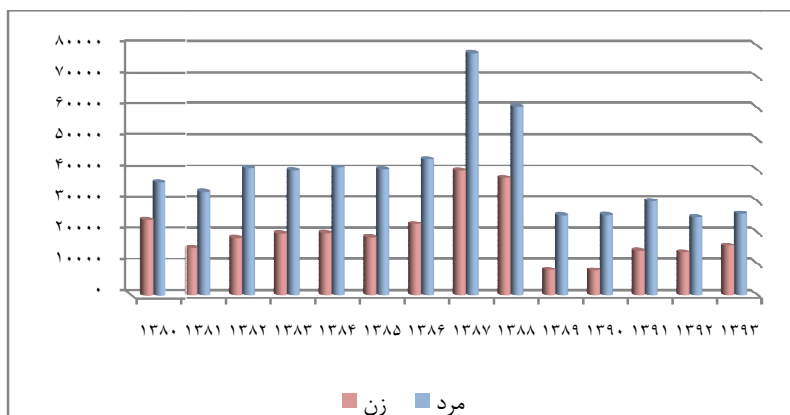
جدول ۳۵. بازنشستگان، از کار افتادگان، شاغلان و بازنشستگان فوت شده صندوق بازنشستگی کشوری در سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۸۰^۱

سال	تعداد کل		بازنشستگان		از کار افتادگان		شاغلان فوت شده		بازنشستگان فوت شده	
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
تا پایان ۱۳۷۹	۱۰۰.۹۳۹	۳۱۶.۸۴۷	۹۱.۴۵۴	۱۵۲.۸۲۲	۱۸.۰۲	۲.۵۱۸	۲.۱۰۴	۳۵.۶۱۴	۵.۵۷۹	۱۲۵.۸۹۳
۱۳۸۰	۲۴.۲۲۱	۳۶.۲۶۷	۲۳.۴۱۵	۲۹.۶۰۴	۹۴	۲۹۱	۱۹۸	۱.۷۷۴	۵۱۴	۴.۶۹۸
۱۳۸۱	۱۵.۰۷۶	۳۳.۳۴۵	۱۴.۴۴۳	۲۷.۵۲۸	۱۲۱	۴۵۴	۲۳۴	۱.۸۵۹	۲۷۸	۳.۵۰۴
۱۳۸۲	۱۸.۴۵۵	۴۰.۸۵۳	۱۷.۶۲۵	۳۴.۷۳۶	۱۲۲	۳۹۴	۲۱۰	۲.۱۰۹	۲۹۰	۳.۶۱۴
۱۳۸۳	۱۹.۹۲۲	۴۰.۱۷۸	۱۹.۱۷۸	۳۴.۹۵۰	۱۵۹	۴۹۴	۲۸۸	۱.۷۱۱	۲۹۷	۳.۰۲۳
۱۳۸۴	۲۰.۰۳۴	۴۱.۱۱۱	۱۹.۳۷۷	۳۶.۶۱۲	۱۴۴	۳۳۷	۲۸۰	۱.۶۴۱	۲۳۳	۲.۵۲۱
۱۳۸۵	۱۸.۶۶۰	۴۰.۴۷۱	۱۸.۰۱۱	۳۶.۴۲۴	۱۲۳	۳۴۶	۳۰۰	۱.۵۵۴	۲۲۶	۲.۱۴۷
۱۳۸۶	۲۲.۸۴۵	۴۳.۶۸۴	۲۲.۱۹۶	۴۰.۱۷۰	۱۱۷	۲۵۸	۳۰۵	۱.۴۶۲	۲۲۷	۱.۷۹۴
۱۳۸۷	۴۰.۱۰۸	۷۷.۷۰۹	۳۹.۴۳۴	۷۳.۸۹۰	۶۰	۹۹	۲۵۷	۱.۲۵۱	۳۵۷	۲.۴۶۹
۱۳۸۸	۳۷.۶۵۸	۶۰.۶۳۸	۳۷.۰۴۵	۵۸.۰۲۴	۱۲۴	۱۹۲	۲۴۸	۹۹۵	۲۴۱	۱.۴۲۷
۱۳۸۹	۸.۰۷۷	۲۵.۸۱۳	۷.۶۱۹	۲۴.۱۴۳	۲۳۱	۱۵۵	۲۳۶	۹۲۹	۶۷	۵۱۰
۱۳۹۰	۷.۹۰۱	۲۵.۸۸۹	۷.۲۳۹	۲۴.۳۴۳	۳۰۶	۳۳۱	۲۶۸	۸۶۷	۶۳	۳۷۳
۱۳۹۱	۱۴.۲۸۱	۳۰.۲۳۶	۱۳.۵۱۲	۲۸.۷۶۸	۳۶۰	۳۶۰	۲۵۵	۸۰۳	۷۸	۳۰۵
۱۳۹۲	۱۳.۷۳۹	۲۵.۲۳۷	۱۳.۰۸۷	۲۳.۹۶۳	۳۳۱	۳۳۱	۲۸۵	۷۹۱	۳۷	۱۵۲
۱۳۹۳	۱۵.۸۴۵	۲۶.۳۱۹	۱۵.۱۶۵	۲۵.۲۴۴	۳۴۸	۳۴۸	۲۲۶	۶۷۲	۱۹	۵۴
جمع کل	۳۷۷.۷۶۱	۸۶۴.۶۹۷	۶۵۱.۲۲۱	۳۵۸.۸۰۰	۶.۹۵۹	۴.۵۵۳	۵۴.۰۳۳	۵۹۰.۲	۸.۵۰۶	۱۵۲.۴۸۴

مأخذ: سازمان بازنشستگی، ۱۳۹۳

۱. سازمان بازنشستگی آمار به تفکیک جنسیت شاغلان (که حق بیمه باز نشستگی پرداخت می‌کنند) را ندارد اما با توجه به مکاتبه و پیگیری معاونت امور زنان و خانواده این مهم را در دستور کار قرار داده است.

نمودار ۳. تعداد زنان بازنشسته و از کار افتاده، در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۳



۷. زنان شاغل در بخش غیر رسمی^۱

زنان شاغل در بخش غیر رسمی کالاها و خدماتی را تولید می‌کنند که ماهیت تولید و مبادله آنها قانونی است. اما فعالیت‌های آنها غالباً ثبت نشده و در نتیجه غیر قابل نظارت توسط دستگاه‌های دولتی است. زنان به عنوان تولیدکنندگان و فعال در کارگاه‌های کوچک، گاهی در خدمات حمل و نقل (مسافرکشی)، دلالی و خدمات خانگی و... با حداقل دستمزد و بدون هیچ نوع بیمه اجتماعی، در بخش غیررسمی مشغول می‌باشند.

نکته قابل توجه در مورد بخش غیررسمی این است که کالاها و خدمات تولیدی توسط این بخش و نیز مصرف آنها منع قانونی ندارد و کاملاً مجاز است. تولیدات بخش غیررسمی بر خلاف تولیدات خانگی وارد مبادلات بازار می‌شود و تولیدات یا به صورت کالا و خدمات واسطه‌ای به سایر تولیدکنندگان و یا به صورت کالا و خدمات نهایی به مصرف کننده، به فروش می‌رسد.

۱. این بخش از گزارش بر اساس یافته‌های پژوهش انجام شده توسط رنانی و همکاران تدوین شده است.

اشتغال زنان در بخش غیر رسمی از فعالیت‌های خانه داری، کارهای داوطلبانه و کارهای خیریه در بخش خانوار متفاوت است. بخش خانوار، کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که در خانوار مصرف شده و به بازار عرضه نمی‌شود.

بخش بزرگی از زنان فعال اقتصادی فاقد تحصیلات و مهارت‌های لازم برای اشتغال در بخش رسمی هستند. عوامل دیگر همچون تبعیض‌های جنسیتی در بازار کار، عوامل فرهنگی، اجتماعی، مسئولیت پذیری زنان نسبت به خانواده و فرزندانشان منجر به انتخاب مشاغل خانگی و مشاغلی با بهره وری و مهارت پایین (تولید غذا، دوزندگی پوشاک و خدمات داخلی) می‌شود. بیشتر زنان در بخش غیر رسمی در مشاغل پاره وقت و فاقد کار فرما فعالیت می‌کنند؛ به طوری که تقریباً از هر دو نفر زن شاغل یک نفر (۵۰ درصد) آنها در بخش غیررسمی فعالیت می‌کند که غالباً تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی و اصولاً قانون کار نیستند. زنان به علت عدم سازگاری بازار کار رسمی با شرایط و مسئولیت‌های خانوادگی که عمدتاً بر عهده آنان است، بیش از مردان از بازار کار رسمی محروم شده و به فعالیت در اقتصاد غیر رسمی و غیر متعارف روی می‌آورند.

شاغلان در بخش غیر رسمی معمولاً درآمدهای کمتری دارد و برای بقا به عنوان کارگران مزدبگیر موقتی یا خانگی مشغول به کار می‌شوند. به طوری که درآمد کارگران غیررسمی زن تنها ۴۴ درصد هم‌تایان آنها در بخش رسمی است در صورتی که کارگران غیررسمی مرد ۶۵ درصد هم‌تایان خود در بخش رسمی درآمد دارند.

یک ویژگی مهم زنان شاغل در بخش غیر رسمی که در واقع تعیین کننده موقعیت شغلی آنهاست میزان تحصیلات این گروه از زنان است. بر اساس یافته‌های پژوهش رنانی و همکاران (۱۳۹۰)، ۱۶ درصد از شاغلان زن

روستایی در بخش غیر رسمی با سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر فعالیت داشته‌اند. این وضعیت در مورد زنان شاغل شهری تشدید می‌شود و تنها در حدود ۳ درصد از شاغلان زن شهری با سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر در بخش غیررسمی مشغول به فعالیت بوده‌اند. زنان در جامعه روستایی براساس نوع مشاغل موجود (اغلب کشاورزی) شرایط مناسب‌تری برای حضور در بخش غیررسمی دارند. در واقع ویژگی برخی مشاغل - مانند مشاغل کشاورزی - به گونه‌ای است که به صورت بالقوه امکان فعالیت به صورت غیررسمی در آنها بیشتر است.

همچنین زنان مانند بسیاری از اعضای خانوار بایستی جهت تأمین معاش در کنار مرد خانوار به فعالیت کشاورزی (زراعت، دامداری و...) پردازند که اغلب این فعالیت‌ها نیز در بخش غیر رسمی و تحت عنوان کارکنان فامیلی صورت می‌پذیرد. در نتیجه زنان سهم بزرگی از کارکنان فامیلی بدون دستمزد را تشکیل می‌داده‌اند.

جدول ۳۶. سهم اشتغال غیر رسمی زنان و مردان در سطوح مختلف آموزشی

زن		مرد		ویژگی‌های شاغلان
شهری	روستایی	شهری	روستایی	
—	—	۵	۱۶	مرد - دیپلم و بالاتر
۳	۱۶	—	—	زن - دیپلم و بالاتر
—	—	۱۶	۴۵	مرد - زیر دیپلم
۴۷	۸۰	—	—	زن - زیر دیپلم

در میان بخش‌های مختلف اقتصادی بخش کشاورزی همواره بیشترین سهم اشتغال خود را در بخش غیر رسمی به کار گمارده است، به گونه‌ای که سهمی بالاتر از ۷۰ درصد از کل شاغلان بخش کشاورزی به صورت غیر رسمی در این بخش فعال بوده‌اند.

در میان شاغلان، سهم کشاورزان مرد (غیر رسمی) ۶۹ درصد و در میان

شاغلان زن، سهم کشاورزان زن (غیر رسمی) ۹۶ درصد بوده است که نشان از اهمیت ویژگی جنسیت جهت مشارکت در بخش غیر رسمی (نسبت به سایر ویژگی‌های شغلی مطرح شده برای یک فرد) دارد.

در بخش صنعت (به دلیل ویژگی‌های خاص این بخش در مقایسه با سایر بخش‌ها) نقش جنسیت در ویژگی شغلی افراد مشخص‌تر است؛ به گونه‌ای که باید گفت احتمال ورود زنان شاغل بخش صنعت به فعالیت غیر رسمی ۶ برابر این احتمال برای مردان است.

در میان بخش‌های عمده اقتصاد، بخش خدمات کمترین سهم از شاغلان خود را در بخش غیر رسمی به کار گرفته است. در واقع زنان فعال در بخش خدمات معمولاً در مشاغل کاملاً رسمی، چون خدمات آموزشی، اشتغال دارند از طرف دیگر ویژگی فعالیت‌های خدماتی به گونه‌ای است که زنان به دلیل محدودیت‌ها و موانع فرهنگی در برخی از مشاغل بخش خدمات، مانند دلالی و دستفروشی، نمی‌توانند مشارکت داشته باشند، در حالی که این مشاغل قابلیت بسیار زیادی جهت فعالیت به صورت غیر رسمی دارند.

جدول ۳۷ توزیع بخشی شاغلان غیر رسمی را بر اساس ویژگی جنسیت نشان می‌دهد که از کل شاغلان غیر رسمی زن، سهم بالایی از آنان (۵۴ درصد) در بخش کشاورزی اشتغال داشته‌اند و درصد بسیار ناچیزی از آنان (۳ درصد) در بخش خدمات شاغل بوده‌اند. در مقابل، سهم شاغلان غیر رسمی مرد در بخش صنعت کمتر از سایر بخش‌ها بوده است.

جدول ۳۷. توزیع جنسی شاغلان غیر رسمی در بخش‌های اقتصادی

ویژگی‌های بخش‌ها	زن	مرد	سهم کل
کشاورزی	۵۴	۷۳	۶۸
صنعت	۴۳	۶	۱۵
ساختمان	۰	۹	۷
خدمات	۳	۱۲	۱۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نتیجه آنکه بررسی شاخص بخش غیررسمی در میان زنان و مردان نشان می‌دهد که:

احتمالا اشتغال در بخش رسمی برای زنان نسبت به اشتغال در بخش غیر رسمی، سخت‌تر و با موانع بیشتری مواجه است. به گونه‌ای که ۲۵ درصد از شاغلان بخش غیر رسمی کشور را زنان تشکیل می‌دهند در حالی که تنها ۱۰ درصد مشاغل رسمی کشور به زنان اختصاص دارد. این امر سبب شده تا حدود نیمی از زنان شاغل در بخش غیر رسمی فعالیت داشته باشند. (این سهم برای مردان شاغل در حدود ۲۶ درصد می‌باشد).

□ برای زنان در مقطع تحصیلی کمتر از دیپلم احتمال اشتغال در فعالیت‌های غیر رسمی بسیار بیشتر از مردان با موقعیت مشابه است. این موضوع اهمیت تحصیلات در افزایش قابلیت‌های نیروی کار جهت جذب در بخش رسمی را نشان می‌دهد. بنابراین افزایش سطح تحصیلات زنان (به ویژه در مقاطع عالی) می‌تواند به عنوان یکی از سیاست‌های مؤثر در راستای تقویت حضور زنان در بخش رسمی به شمار آید.

۷.۱. زنان روستایی و عشایر و پوشش بیمه ای

نخستین اقدام عملی در زمینه بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به دنبال تأکید برنامه چهارم توسعه و قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی بر ایجاد صندوق بیمه اجتماعی روستاییان صورت گرفت. با تصویب

آیین‌نامه این صندوق در بهمن ۱۳۸۳ و طی مراحل قانونی و تأیید نهایی آن در مجلس در مرداد ۱۳۸۴، ایجاد صندوق مذکور ابلاغ شد.

۱. صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به عنوان یک موسسه عمومی غیردولتی دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری و استخدامی بوده و طبق ضوابط و مقررات مورد عمل خود با هدف توسعه خدمات بیمه‌های اجتماعی روستاییان شامل از کار افتادگی، فوت و پیری و مستمری بازماندگان است و وظیفه تأمین و گسترش بیمه همه اقشار روستائی را بر عهده دارد.

۲. جمعیت روستاییان و عشایر کشور ۲۱ میلیون نفر است. تا پایان سال ۱۳۹۳ یک میلیون و ۲۵۰ هزار سرپرست خانوار روستایی و عشایر کشور تحت پوشش این صندوق قرار دارند. تمامی روستاییان و عشایری که تحت پوشش بیمه نیستند، می‌توانند با پرداخت ۵ درصد از درآمد ماهیانه خود تحت پوشش این صندوق قرار بگیرند. دولت موظف است، دو برابر حق بیمه‌ای که روستاییان و عشایر پرداخت می‌کنند، به صندوق بیمه اجتماعی روستاییان بپردازد و در سال‌هایی که مناطق روستایی دچار خشکسالی، افت زدگی، مرگ و میر دام و یا بروز حوادث غیر مترقبه شود، دولت علاوه بر سهم خود، سهم بیمه شده را نیز پرداخت می‌کند. در اجرای تعمیم و گسترش طرح بیمه‌های اجتماعی یکی از تکالیف صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر تحت پوشش قرار دادن زنان روستایی است این صندوق که از سال ۱۳۸۴ فعالیت خود را آغاز نموده و تا کنون موفق به بیمه نمودن تعداد ۱۸۹۵۶۱ نفر از زنان ساکن در روستاها و زنان تحت پوشش نهادهای حمایتی گردیده است.

جدول ۳۸. تعداد خانوارهای بیمه شده صندوق تأمین اجتماعی روستاییان عشایر تا سال ۱۳۹۱

کل کشور	کل روستاییان و عشایر	تعداد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد	تعداد زنان سرپرست خانوار سازمان بهزیستی:
جمع کل: ۱۰۴۷۸۷۳	۸۵۰۰۳۵	۱۴۶۹۱۰	۵۰۹۲۸

مأخذ: سالنامه آماری ۹۱

جدول ۳۹. تعداد زنان روستایی و عشایر در سال ۱۳۹۳

سال	کل جمعیت روستایی و عشایر	کل جمعیت تحت پوشش بیمه	تعداد زنان بیمه شده خانه دار روستایی و عشایر و زنان سرپرست خانوار تحت پوشش نهادهای حمایتی (کمیته امداد و بهزیستی)
۹۳	۲۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۲۵۰۰۰۰	۱۸۹۵۶۱

مأخذ: مصاحبه معاون توسعه روستایی و مناطق محروم معاون اول، ۱۳۹۳

جدول ۴۰. تعداد زنان سرپرست خانوار و روستایی و عشایر بیمه شده در سال ۱۳۹۳

سال	زنان روستایی و عشایر و زنان تحت پوشش سازمانهای حمایتی	تعداد زنان بیمه شده روستایی	تعداد زنان بیمه شده تحت پوشش کمیته امداد	تعداد زنان بیمه شده مددجوی بهزیستی:
۹۳	جمع کل: ۱۸۹۵۶۱ نفر	۶۰،۲۳۳ نفر	۸۶،۳۷۱ نفر	۴۲،۹۵۷ نفر

۷.۲. زنان غیرفعال اقتصادی؛ خانه دارها و پوشش بیمه‌ای^۱

دامنه پوشش و عرضه خدمات در نظام بیمه اجتماعی علی رغم ضرورت همگانی بودن بیمه‌های اجتماعی جهت تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی افراد، صرفاً مبتنی بر بازارکار و اشتغال است و با وجود ضرورت همگانی بیمه اجتماعی در اصل ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی و بند (ی) ماده ۱ و بند (د)

۱. جمعیت غیرفعال بیمه شده توسط سازمان تأمین اجتماعی شامل امار زنان خانه دار و زنان سرپرست خانوار شهری است. زنان سرپرست خانوار روستایی و عشایر در بخش اقتصاد غیر رسمی و توسط صندوق روستاییان و عشایر اعلام می‌شود. همچنین از مجموع کل زنان خانه دار عده‌ای تبعه همسر، تعدادی زن سرپرست خانوار و تعدادی روستایی هستند که ضریب پوشش باید برای این تعداد محاسبه شود.

ماده ۳ و تبصره ۲ ماده ۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳، ماده ۲۷ قانون برنامه پنجم توسعه، هنوز موفقیت چندانی در تعمیم پوشش بیمه‌ای به برخی از اقشار جامعه که در زمره شاغلین رسمی بازار کار و مزد بگیران نیستند به دست نیامده است. علت اصلی این امر ماهیت بیمه اجتماعی است که وابسته به سه رکن «کارفرما، مزد و حقوق رسمی و کارگاه معین» می‌باشد.

در این میان با وجود نقش مؤثر و انکار ناپذیر زنان خانه دار در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور، کار آنان جزء مشاغل رسمی به حساب نمی‌آید و به عنوان جمعیت غیر فعال از لحاظ اقتصادی محسوب می‌شوند و تولیدات این گروه از زنان به عنوان جمعیت غیر فعال در محاسبات ملی به دلیل غیر بازاری بودن تولیدات خانگی سنجش و محاسبه نمی‌گردد به همین دلیل تحت پوشش بیمه اجتماعی آنگونه که برای قشر مزد و حقوق بگیر است قرار نمی‌گیرند.

جدول ۴۱. جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی طی سالهای ۱۳۹۰ - ۱۳۸۵

جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی					جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر	شرح	
سایر درصد	دارای درآمد بدون کار - درصد	خانه دار درصد	محصل درصد	جمع			
۱۶۹۱ ۵/۵۹	۱۸۶۳ ۶/۱۵	۶۰ ۰/۱۹	۶۵۶۵ ۲۱/۷۰	۱۰۱۷۹	۳۰۲۴۴	مرد	سال ۸۵
۱۶۹۸ ۵/۷۹	۱۱۱۱ ۳/۷۹	۱۵۹۹۸ ۵۴/۶۲	۶۵۵۲ ۲۲/۳۷	۲۵۳۵۸	۲۹۲۸۸	زن	
۲۴۵۹ ۷/۷۳	۲۲۷۵ ۷/۱۵	۱۰۹ ۰/۳۴	۶۱۰۵ ۱۹/۱۹	۱۰۹۴۹	۳۱۸۰۵	مرد	سال ۹۰
۱۶۰۸ ۵/۱۱	۱۱۴۶ ۳/۶۴	۱۸۱۴۵ ۵۹/۹۴	۵۹۴۴ ۱۸/۹۰	۲۷۵۴۲	۳۱۴۳۶	زن	

مأخذ: سالنامه آماری، ۱۳۹۱

بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۲ حدود ۲۰ میلیون زن خانه دار در کشور غیر فعال اقتصادی محسوب شده‌اند که نزدیک به ۱۴/۵ میلیون آنها در مناطق شهری سکونت دارند، همچنین ۵۰۰ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار در این مجموعه گزارش شده‌اند.

علیرغم افزایش ورود بیمه شدگان زن به سازمان تأمین اجتماعی با تمرکز بر سهم زنان در بین گروه‌های بیمه شده در می‌یابیم که عمده سهم زنان در بیمه‌های اختیاری متمرکز شده است. به عبارتی زنان به واسطه اشتغال بیشتر در مشاغل غیر مزد و حقوق بگیر عمدتاً در گروه جامعه هدف بیمه شدگان اختیاری قرار می‌گیرند. این نوع بیمه اختیاری از سال ۱۳۸۹ و با توجه به ماده ۷ قانون هدفمند سازی یارانه‌ها تحت عنوان بیمه‌های خاص روند افزایش یابنده‌ای داشته است. به طوری که از آن سال با طرح بیمه زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی و همچنین بیمه زنان خانه دار، شاهد افزایش سهم زنان در گروه بیمه شدگان حرف و مشاغل آزاد می‌باشیم.

اقدامات و چالش‌های تحقق بیمه زنان خانه دار

۱. هیئت دولت در سال ۱۳۷۸، تدوین طرح بیمه زنان خانه دار را بر عهده مرکز امور زنان و خانواده نهاد که در پی آن، طرح «صندوق تأمین اجتماعی زنان خانه دار» در سال ۱۳۸۰ به دولت ارائه و در چهار چوب ردیفی از بودجه سازمان بهزیستی کشور، در لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ گنجانده و قرار شد ساز مان و مرکز امور زنان و خانواده آیین نامه آن را تدوین کنند.

۲. پس از مدتی طرح بیمه زنان خانه دار در چهار چوب «بیمه حرف و مشاغل آزاد» مطرح و تصویب و در تاریخ ۸۷/۹/۱۷ ابلاغ شد. در این طرح، حق بیمه زنان خانه دار را باید خود آنان پرداخت کنند؛ در این راستا موضوع

حمایت از بیمه زنان خانه دار و اینکه دولت سهمی از حق بیمه آن را بپردازد همچنان در حال پیگیری است که البته این بیمه چندان با استقبال مواجه نشد.

۳. پیشنهاد ایجاد صندوق خاص نیز به دلیل ممنوعیت قانونی و پیش بینی در بودجه سالانه و اختصاص اعتبار به دلیل نوسان درآمدهای دولت و امکان عدم استمرار طی سالیان متمادی، بر طرف کننده مشکل نخواهد بود، طرح ادغام صندوق بیمه عشایر و روستایی و ایجاد صندوق جدید نیز به دلیل مخالفت صندوق عشایر و روستایی و ضرورت پیش بینی دقیق ساز و کارهای اجرایی بیمه عشایر و روستایی و سایر مشمولین طرح نیاز مند دقت نظر است.

۴. بر اساس ماده ۲۷ قانون پنجم توسعه وزارت کار مکلف به تدوین لایحه بیمه چند لایه و استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی چند لایه می‌باشد که آیین نامه آن تدوین و در دستور کار دولت می‌باشد، این طرح برقراری حداقل بیمه اجتماعی برای افرادی که تحت پوشش صندوق‌های بیمه‌ای قرار ندارند، همچون زنان خانه دار را به عنوان یکی از مشمولین طرح مورد توجه قرار داده است. این نوع بیمه، خدمات باز نشستگی، از کار افتادگی و فوت را در سطحی پایین‌تر از بیمه اجتماعی اجباری و با حق بیمه کمتر ارائه می‌نماید، به نحوی که هم اعضای آن قادر به پرداخت حق بیمه باشند و هم اعضای صندوق بیمه اجباری انگیزه‌ای برای گرایش به این نوع بیمه نداشته باشند.

۵. طرح بیمه زنان خانه دار و فراز و نشیب‌های آن از طرح آزمایشی آن در شش استان کشور در سال ۱۳۸۴ تا کنار رفتن آن از دستور کار دولت نهم و طرح دوباره آن در چهار چوبی دیگر، نمونه‌ای از نا هماهنگی دستگاه‌های حاکمیتی و نبود زیر ساخت‌های پیش نیاز برای انجام شدن یک طرح بزرگ ملی است.

۷.۳. زنان سرپرست خانوار و پوشش بیمه‌ای

زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب پذیر اجتماعی هستند که عواملی چون فوت، طلاق، اعتیاد همسر و از کار افتادگی موجب می‌شود تا مسائل و مشکلات آنها چندین برابر شده و آسیب‌های وارده به آنان، تبعات وخیم‌تر و تأثیرگذارتری در جامعه داشته باشد؛ بنابراین با توجه به نقش‌های عدیده این زنان، تأمین اجتماعی آنان در حوزه‌های بیمه‌ای و توانبخشی ضروری است؛ چنانکه در ماده ۱ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی نیز بر آن تأکید شده است.

با استناد به بند (ب) ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی ماده (۷) قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و بند (د) ماده (۹۶) قانون برنامه پنجساله چهارم توسعه و ماده ۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی با همکاری مشترک وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نهادهای حمایتی (کمیت‌ه امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی)، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر و سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها، بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار از سال ۱۳۸۶ برای نقاط روستایی و شهری به طور جداگانه اجرا شده است.

بند ج ماده ۳۹ قانون برنامه پنجم توسعه به ضابطه مندسازی بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار نیازمند تأکید و این مهم از سال ۱۳۸۶ به اجرا در آمده است، افراد مشمول این قانون زنان سرپرست خانوار شهری و روستائی هستند که تحت پوشش نهادهای حمایتی می‌باشند. آمار زیر گویای پوشش بیمه‌ای زنان سرپرست خانوار است. ۱۲ درصد کل خانوارهای کشور زن سرپرست هستند؛ به عبارتی ۲/۵ میلیون خانوار را زنان مدیریت و مسئولیت تأمین هزینه‌های زندگی اعضای خانواده را بر عهده دارند و نزدیک

به ۱/۹ میلیون نفر آنها در جامعه شهری سکونت دارند. حدود نیمی از خانواده‌ها تحت پوشش نهادهای حمایتی هستند.

جدول ۴۲. وضعیت بیمه‌ای زنان سرپرست خانوار به تفکیک شهر و روستا و نهادهای حمایتی؛ ۱۳۹۰

زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد		زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی	
۱/۲۲۴/۰۰۰			
زنان سرپرست خانوار بیمه شده			
روستائی	شهری	روستائی	شهری
۱۴۰/۰۰۰	۸۰/۰۰۰	۴۴۰۰۰	۵۵/۰۰۰
جمع کل: ۳۱۲/۰۰۰ نفر بیمه شده			

از مجموع ۱/۲۲۴ هزار نفر زن سرپرست خانوار تحت پوشش نهادهای حمایتی، تنها ۳۱۲ هزار نفر در شهر و روستا توسط سازمان تأمین اجتماعی و صندوق روستائی و عشایر بیمه شده‌اند و بقیه معادل ۹۱۲ هزار نفر اگر چه تحت پوشش حمایتی این نهادها هستند اما تاکنون بیمه نشده‌اند.

همچنین از کل جمعیت زنان سرپرست خانوار، حدود ۱/۳۲۴/۰۷۲ نفر وضعیت نامشخصی از نظر پوشش بیمه‌ای دارند که از این تعداد ۴۹۴/۹۱۵ نفر روستائی و ۱/۷۳۳/۰۲۱ نفر شهری می‌باشند.

پوشش بیمه زنان سرپرست خانوار شهری^۱

در اجرای بند «ب» ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی ماده ۷ قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در راستای تعمیم و گسترش بیمه‌ای به گروه‌های خاص جامعه شامل مددجویان و زنان سرپرست خانوار شهری تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور و پرداخت بخشی از حق بیمه اینگونه افراد از محل منابع هدفمندسازی یارانه‌ها سازمان هدفمندسازی

۱. زنان سرپرست خانوار شهری توسط سازمان تأمین اجتماعی بیمه می‌شوند.

یارانه‌ها پوشش بیمه‌ای این گروه از زنان سرپرست خانوار را بر عهده دارد. همچنین سازمان تأمین اجتماعی بر اساس قانون بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد مصوب ۱۳۶۵/۶/۳۰ مجلس شورای اسلامی و آیین نامه اجرایی مربوطه مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۹ هیأت وزیران و برابر مقررات یاد شده زنان سرپرست خانوار شهری را تحت پوشش قرار می‌دهد و مطابق بخشنامه شماره ۸ مشترک فنی و درآمد، سهم حق بیمه پرداختی از طرف دولت (کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی) ۱۸/۸ می‌باشد و ۱۸/۱۰ حق بیمه از محل منابع عمومی بند (ب) ماده ۷ قانون هدفمندسازی یارانه‌ها تأمین می‌شود.

پوشش بیمه‌ای زنان سرپرست خانوار روستائی توسط صندوق روستاییان و عشایر

با عنایت به بند (د) ماده (۹۶) قانون برنامه پنجساله چهارم توسعه و ماده ۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و به منظور گسترش و توسعه رفاه توأم با عزت و تأمین و تضمین زندگی شرافتمندانه تفاهمنامه‌ای با سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) انعقاد شده است که از بهمن ماه سال ۱۳۸۶ عملاً به اجرا در آمده است و مجموع بیمه شدگان، ۱۷۴۰۷۴ نفر می‌باشد.

سهم دولت از محل بودجه عمومی در پرداخت حق بیمه ۱۵/۱۰ می‌باشد و زنان سرپرست خانوار روستایی با پرداخت ۱۵/۵ حق بیمه از محل اعتبارات وزارتخانه (کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی) تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار می‌گیرند.

جدول ۴۳. روند تحولات پوشش بیمه‌ای زنان سرپرست خانوار سازمان بهزیستی و کمیته امداد از سال ۱۳۸۶-۱۳۹۲

کمیته امداد		سازمان بهزیستی	
تعداد	سال	تعداد	سال
۱۴۰.۰۰۰	۱۳۸۶	۳۴.۰۷۴	۱۳۸۶
۱۴۰.۰۰۰	۱۳۸۷	۳۴.۰۷۴	۱۳۸۷
۱۴۰.۰۰۰	۱۳۸۸	۳۴.۰۷۴	۱۳۸۸
۱۴۰.۰۰۰	۱۳۸۹	۳۷.۰۰۰	۱۳۸۹
۱۴۰.۰۰۰	۱۳۹۰	۳۷.۰۰۰	۱۳۹۰
۱۴۰.۰۰۰	۱۳۹۱	۳۷.۰۰۰	۱۳۹۱
۱۴۰.۰۰۰	۱۳۹۲	۳۷.۰۰۰	۱۳۹۲

۷.۳.۱. مشکلات بیمه زنان سرپرست خانوار^۱

بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار اگر چه از سال ۱۳۸۶ به مرحله اجرا درآمده است در عمل با مشکلاتی مواجه بوده است. از آنجا که حمایت‌های اجتماعی به عهده دولت می‌باشد و برقراری بیمه اجتماعی برای کسانی بوده است که قادر به کار بوده‌اند و در پرداخت حق بیمه مشارکت داشته باشند، به نظر می‌رسد برنامه‌های حمایتی دولت برای برقراری بیمه گروه‌های خاص بخصوص زنان سرپرست خانوار از طریق سازمان تأمین اجتماعی انتظار نابیایی بوده است، زیرا سازمان تأمین اجتماعی صندوق حمایتی نیست،

۱. همچنین در ماده (۲۹) قانون برنامه پنجم توسعه اشاره شده است کلیه تصویب نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعملها و غیره که متضمن بار مالی برای صندوق‌های بازنشستگی یا دستگاه‌های اجرایی و دولت باشد در صورتی قابل اجرا است که بار مالی ناشی از آن قبلاً محاسبه و در قوانین بودجه کل کشور و یا بودجه سالانه دستگاه یا صندوق ذیربط تأمین اعتبار شده باشد در غیر اینصورت عمل مراجع مذکور در حکم تعهد زائد بر اعتبار است و مشمول پرداخت از سوی دستگاه یا صندوقهای مربوطه نخواهد بود و علیرغم آنکه در بند الف بخش ۶ تفاهم نامه کمیته امداد و صندوق روستاییان و عشایر تصریح شده است که نحوه پرداخت حق بیمه نباید موجب از بین رفتن سابقه افراد بیمه شده گردد لکن عدم هماهنگی در تفاهم نامه‌های موجود بین نهادهای حمایتی با صندوق روستاییان و عشایر و نداشتن ردیف مجزا در قوانین بودجه سنواتی کل کشور مشکلاتی از قبل تاخیر دولت در پرداخت حق بیمه و عدم برقراری تعهدات در زمان ایجاد وقفه بیمه‌ای شده است.

بلکه یک صندوق بیمه‌ای می‌باشد که اگر بخواهد جوابگوی این گروه‌های خاص باشد دیگر نمی‌تواند جوابگوی مشترکین خود در زمان بازنشستگی شان باشد و هزینه‌های آن به نقطه سر به سر می‌رسد و پوشش خاص این گروه باید از جنبه حمایتی و پیشگیرانه آن مورد توجه قرار گیرد و گر نه اتکای صرف به سیستم بیمه‌ای، افراد نیازمند فاقد قدرت مشارکت را حذف می‌کند و اتکای صرف به سیستم حمایتی توان مالی بسیاری را می‌طلبد و مشارکت افراد قادر به مشارکت را حذف می‌کند ضمن آنکه خودکفایی مالی و توانمندسازی را خدشه دار میکند.

۱. مهم‌ترین عامل در ناموفق بودن پوشش بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار جایگزینی رویکرد حمایت با رویکرد بیمه‌ای است و هدایت زنان سرپرست خانوار از سیستم‌های حمایتی به سیستم‌های خود اتکایی و نهایتاً بیمه همگانی انجام پذیرفته است.

۲. در ماده ۳۹، قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) تأمین حق سرانه بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار نیاز مند به روشنی آمده و برای پوشش بیمه‌ای ۲۰۰ هزار نفر از آنان مبلغ یک صد میلیارد تومان در بودجه سال ۱۳۹۲ در نظر گرفته شد، که البته تأمین و پرداخت نشد.

۳. در بودجه سال ۱۳۹۳ نیز پوشش بیمه‌ای ۲۰۰ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار پیش بینی شد که شورای نگهبان به دلیل تحمیل بار مالی به دولت با آن مخالفت کرد و نمایندگان رأی به حذف آن دادند. به نظر شورای نگهبان این موضوع به دلیل بار مالی کلان و ادامه یافتن در بودجه سال‌های آینده نباید در قانون بودجه سالیانه مطرح شود و نیاز مند قانونی جداگانه است که به تصویب مجلس رسیده باشد. این لایحه در اردیبهشت سال ۱۳۹۳ آماده شد.

در هر حال، امید است با تصویب و اجرای بیمه فراگیر، کلیه زنان شاغل در بخش غیررسمی نیز در زمره بیمه‌شدگان قرار گیرند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و احمد غیاثوند (۱۳۸۳)، «جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، نشر آن، تهران.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، «فرایند تغییرات نسلی، بررسی فراتحلیلی در ایران»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول (بهار و تابستان)، صفحات ۴۲ تا ۶۸.
- آزاد ارمکی تقی و مصطفی ظهیری (۱۳۸۹) «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده». فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۶ (۲۳) صفحات ۲۷۹ تا ۲۹۷.
- آزاده، منصوره اعظم، سوسن باستانی و افسانه کمالی، (۱۳۸۸) پیمایش ملی بررسی وضعیت، نگرش و مسائل جوانان، با تأکید بر دختران و زنان جوان، مرکز مطالعات جوانان دانشگاه الزهراء.
- آل اقا فریده (۱۳۷۶). «بررسی تحلیلی وضع موجود در فرهنگ عمومی بزرگسالان». مرکز پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- اسدی، سمیه، ۱۳۹۲، تحلیل وضعیت موجود در آمارها و منابع بیمه‌های اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- اسدی علی و همکاران (۱۳۵۶) «گرایش فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران؛ گزارش یک نظرخواهی در سال ۱۳۵۳»، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- اسدی علی، مهدی بهکیش و منوچهر محسنی (۱۳۵۸). «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، گزارش از یک نظرخواهی در تهران» (خرداد ماه)
- اوجاقلو سجاد (۱۳۹۴) «تغییرات ارزشی در ایران: تحلیل تغییر سیستم ارزشی خانواده‌ها» ir.Anthropology://Http آخرین مراجعه ۱/۵/۱۳۹۴
- ترابی تقی (۱۳۷۸) «اندازه‌گیری ارزش افزوده فعالیت‌های زنان خانه دار در منزل (مورد خاص

- طبخ غذا). مجموعه مقالات زنان و صرفه جویی، صفحات ۴۷ تا ۷۴، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری
- جلیوند شیرین (۱۳۷۵) «بررسی و مقایسه نگرش مادران و دختران (نسل قدیم و جدید) نسبت به ارزش‌های اجتماعی» مرکز پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 - دیهیم و همکاران (۱۳۸۲) «زنان در سیستم بانکی ایران» پژوهش انجام شده در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران
 - رنالی، محسن، ۱۳۹۰ «شناخت ساختار اشتغال زنان در بخش غیر رسمی»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه
 - سازمان باز نشستگی، اطلاعات آماری، ۱۳۹۰
 - سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۲) برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)
 - سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۳) برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)
 - سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸) برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
 - سازمان تأمین اجتماعی، اطلاعات آماری ۱۳۹۳-۱۳۸۰.
 - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۷) برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۸۷)
 - سلطانی احسان (۱۳۹۴) «نیاز ۸۰ درصد خانوارها به دوشاغل». روزنامه شرق، دوشنبه ۸ تیرماه
 - شادی طلب ژاله (۱۳۷۸) «مدیریت زنان؛ ضرورت تغییر رفتار در نقش مدیریت». چاپ شده در مجموعه مقالات نخستین همایش جامعه شناسی مدیریت، سازمان مدیریت صنعتی. صفحات ۲۷۴ تا ۲۹۲
 - شادی طلب ژاله و سودابه امیری (۱۳۸۱) «زنان و مسایل جنسیتی در برنامه چهارم توسعه ایران». مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران
 - ضرابی وحید و سید فرخ مصطفوی (۱۳۹۰) «بررسی عوامل موثر بر سن ازدواج در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی» فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۴، زمستان) صفحات ۳۳ تا ۶۴
 - عبدی عباس و محسن گودرزی (۱۳۷۸) تحولات فرهنگی در ایران، انتشارات روش، تهران
 - عبدی عباس و محسن گودرزی (۱۳۸۸) تحولات فرهنگی در ایران، نشر علم، ایران
 - عیسی زاده سعید، اسماعیل بلالی و علی محمد قدسی (۱۳۹۳) «تحلیل اقتصادی طلاق: بررسی ارتباط بیکاری و طلاق در ایران طی دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵». دانشگاه بوعلی سینای همدان، ایران

گزارش وضعیت زنان ۸۹

- قلمی زاده، گلناز، ۱۳۹۲، بررسی اجمالی الگوهای اجرائی بیمه اجتماعی زنان خانه دار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- کاظم زاده، آزاده، ۱۳۹۳، بررسی سیستم مستمری بازماندگان در قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های بیمه گر، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- گرجی پور، اسماعیل، ۱۳۹۰، تحلیل وضعیت موجود نحوه پوشش بیمه‌های اجتماعی در ایران، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- گرجی پور، اسماعیل، ۱۳۹۱، تحلیلی آماری بر عملکرد متغیرها و شاخص‌های کلیدی حوزه بیمه اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- گرجی پور، اسماعیل، ۱۳۹۱، بررسی وضعیت پوشش جمعیتی بیمه‌های اجتماعی در ایران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- گرجی پور، اسماعیل، ۱۳۹۲، وضعیت موجود صندوق‌های بیمه بازنشستگی در ایران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- محبتی، سمیه، ۱۳۹۳، گزارش تحلیلی وضعیت بیمه‌های اجتماعی در قانون بودجه سال ۹۳ کل کشور، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- محسنی منوچهر (۱۳۷۹) «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران». دبیرخانه شورای فرهنگی عمومی کشور
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۲) «احتساب سهم زنان در تولید کشور» دفتر تحقیق و توسعه (نشریه داخلی)
- مرکز آمار ایران، پژوهشکده (۱۳۹۳) «روند شاخص‌های منتخب» دو ماهنامه «آمار» سال دوم، مرداد و شهریور نشریه شماره ۷،
- مرکز آمار ایران؛ سالنامه آماری ۱۳۹۱
- مرکز آمار ایران؛ نتایج به کارگیری نیروی کار، ۱۳۹۰
- مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری (۱۳۸۲) «نیاز سنجی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان و دختران کشور» (مرداد ماه)
- معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۰، اطلس وضعیت زنان
- معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۰، قوانین و مقررات زنان در ج.ا.ا. موسسه رحمان، سال ۱۳۸۹، گزارش وضعیت اجتماعی ایران
- نشریه قلمرو رفاه، ۱۳۹۳، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معاونت امور زنان و خانواده، ۱۳۹۰، سند پشتیبان ماده ۲۳۰ قانون برنامه پنجم توسعه
- وزارت کار و امور اجتماعی (۱۳۸۹) «تحولات بازار کار زنان طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸»

معاونت سرمایه انسانی و توسعه اشتغال، (مرداد ماه)

■ یزدانی، فرشید، ۱۳۸۹، گزارش وضعیت اجتماعی ایران، مؤسسه رحمان

- Azadarmaki T. and G. Ghaffari (۲۰۰۴) "Generational attitudes towards women", *Women's research* ۱(۱): ۸۹-۹۷
- Chamlou N. (۲۰۰۶) "Gender, development and the law in the Middle East and North Africa" *PACE International Law Review*, ۱, vol. xviii, ۲۶۹-۲۸۷(Spring).
- ILO and CWS, (۲۰۰۴) "Gender dimensions of labor markets and employment patterns in the Islamic Republic of Iran". University of Tehran, Iran
- ILO and CWS, (۲۰۰۴) " Review of employment creation policies and programs in the Islamic Republic of Iran". University of Tehran, Iran
- Kabeer, N. (۱۹۹۹) "The conditions and consequences of choice ; reflections on the measurement of women's empowerment ". UNRISD discussion paper No. ۱۰۸, August.
- Kabeer, N. (۲۰۱۲) "Women's economic empowerment and inclusive growth: Labor markets and enterprise development" School of Oriental and African Studies, SIG working paper ۲۰۱۲/ ۱,UK.
- Marmel, A. and S. Judi (۱۹۹۱) " Women and world development ". Oversea Education Fund , Washington, USA.
- Moghadam V. (۱۹۹۷) "The feminization of poverty: Notes on the concept and trend". Illinois State University, Women studies occasional paper, No.۲.
- Norton A. and D. Elson (۲۰۰۲),"What is behind the budget? Politics, rights and accountability in the budget process". Center for Aid and Public Expenditure. Overseas Development Institute, UK.
- Shaditalab J. and R. Mehrabi (۲۰۱۰) "Patriarchal values; girls are more apt to change". *Sociologisk Forskning*, Argang ۴۷nr ۲. pages ۹۸-۱۱۱.
- UNIFEM (۱۹۹۵) " The human cost of women's poverty:perspectives from Latin America and Caribbean" , Mexico City.
- United Nations (۲۰۰۹) "The millennium development goals report ", UN, New York.